



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
یکشنبه
۲۲ دی ۱۴۰۳ • ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • 22 December 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و نود و دو
www.asrghanoon.ir

دبّه فیلترینگی

شفیعیان مشاور رسانه‌های دولت چهاردهم: زیرساخت رفع فیلتر مشکل دارد! امکان رفع یهویی نیست

شفیعیان مشاور رسانه‌های دولت چهاردهم گفت: زیرساخت رفع فیلتر مشکل دارد! امکان رفع یهویی نیست. این در حالی است که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات چند روز پیش با بیان اینکه موضع دولت و این وزارتخانه در حوزه فیلترینگ مشخص است و پیگیری‌ها برای رفع فیلترینگ ادامه داد، گفت: جلسات متعددی در مرکز ملی فضای مجازی برگزار شده و برون رفت از وضعیت موجود و اینکه از چه مسیری پیش برویم در دستور کار است. هاشمی با بیان اینکه بیش از ۵۰ ساعت کار کارشناسی در مرکز ملی فضای مجازی در این زمینه برگزار شده است، افزود: نکته این است که روی موضوعات مهمی چون برون رفت از وضعیت موجود و اینکه از چه مسیری پیش برویم، جمع بندی صورت گرفته است.

پارامترهای جدید ایران در معادله نظم نوین غرب آسیا



هم عربستان و هم امارات به عنوان سردمداران مخالفت با اندیشه اخوانی در جهان شناخته می‌شوند؛ مدلی از اسلام سیاسی که در جهان اهل سنت طرفداران بالایی دارد و در تقابل مستقیم با اندیشه‌های این دو کشور است.

ارزش‌گرایی و قانون‌گرایی؛ شاخصه حکمرانی معیار



منطق حکمرانی از قدیم در ادبیات فقهی یا ادبیات دینی ما کمتر مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً شیوه اداره جامعه مبتنی بر نظر آن حاکم یا ولی تعیین می‌شد و طبیعتاً بر اساس مصلحتی که او تشخیص می‌داد ارائه می‌شد.

تأثیر تفسیر امام خمینی از مسئله ولایت بر فقه سیلسی



با این دید که خداوند مالک وجود است نمی‌توان گفت ولایت در حد سرپرستی صغار است؛ این ولایت نامحدود است و جایی نیست که برای خداوند این ولایت وجود نداشته باشد و این نوع ولایت مطلقه است.

ایجاد منطقه تنف اسرائیلی



مهم‌ترین تصرف اسرائیل در چند روز اخیر منطقه فوق استراتژیک جبل‌الشیخ بود که یکی از آرزوهای همیشگی اسرائیلی‌ها برای داشتن موقعیت برتر در نبرد با سوریه و لبنان است.

از «بازی مرکب» خسته شده‌ام



از «بازی مرکب» و اینکه عمرم را صرف ساختن و بازاریابی چیزی کنم به شدت خسته شده‌ام. بنابراین در حال حاضر به پروژه بعدی فکر نمی‌کنم. فقط به این فکر می‌کنم که به جزیره دورافتاده‌ای بروم و بدون آنکه نتفلیکس با من تماس بگیرد وقت آزاد خودم را داشته باشم.

زوجیت و حرکت



بنیاد عالم بر زوجیت و مودت و رحمت و سکونت است، که حقیقت و اصالت در تحولات هستی را شکل می‌دهد، تناقض و زوجیت اصیل است و جنگ و دیالکتیک اعتباری است، تاریخ را آن صیوروت و حرکت اصیل پیش می‌برد.



Pishkhan.com

۴

۴

۴

۱

۷

پارامترهای جدید ایران در معادله نظم نوین غرب آسیا

مهدی خانعلی زاده



می‌شود، می‌توان بر این نکته تاکید کرد که با وجود مبانی متفاوت و اختلافات گسترده، الان زمان مناسبی برای ایجاد یک ساختار همکاری میان ایران و عربستان — و امارات — به منظور کنترل افزایش قدرت ترکیه است؛ همانطور که بریتانیای قرن نوزدهم، با جابه‌جایی تاکتیکی، افزایش قدرت در میان رقبای منطقه‌ای خود یعنی فرانسه و آلمان را مدیریت می‌کرد.

نگاهی به مواضع رسمی عربستان و امارات در قبال تحولات اخیر سوریه مشخص می‌کند چنین نگرانی مشخصی در میان سران ریاض و ابوظبی هم وجود دارد و براساس پیام‌های رد و بدل شده میان ایران و این دو کشور در ماه‌های اخیر، با تعریف درست یک راهبرد جدید می‌توان به مدل همکاری مشخصی بین طرفین رسید که در حکم جلوگیری از تحقق راهبردهای طرف غربی باشد؛ همان‌طور که یک بار در سال‌های پس از ۲۰۰۰ میلادی و با طراحی راهبرد جدیدی درباره شبکه مقاومت صورت گرفت.

آن چیزی که در حال حاضر شفاف به نظر می‌رسد، نیاز به طراحی پارامترهای جدید برای حل معادله نظم جدید غرب آسیا پس از سقوط حکومت بشار اسد در سوریه است؛ موضوعی که یک شروع تلخ داشت اما می‌تواند یک بار دیگر به پایانی شیرین برسد؛ پایانی که این بار نقطه‌عطفی در تحولات امنیتی مرتبط با غرب آسیا باشد و پروژه خاورمیانه جدید را به طور کامل بی‌اعتبار کند. باید چهارچوب‌های کلیشه‌ای را در حوزه سیاست خارجی کنار گذاشت و با نگاهی نو و البته به قید فوریت، کلان راهبردهای جدید را با دوستان جدید — که حتی می‌توانند از میان دشمنان قدیم باشند — عملیاتی کرد.

کلان، بخشی از پازل کنترل قدرت ایران در منطقه هستند، اما در شرایط فعلی و در چهارچوب جدیدی که در منطقه وجود دارد، به دلایل مختلف می‌توانند همکاری مقطعی تاکتیکی با تهران برای تغییر در روندهای امنیتی داشته باشند. در زمینه چرایی امکان ایجاد این همکاری، دو محور قابل طرح است؛ محور اول که رویکرد ایدئولوژیک دارد و بخش کم‌رنگ ماجراست و محور دوم که ابعاد واقع‌گرایانه دارد و بخش پررنگ ماجراست.

هم عربستان و هم امارات به عنوان سردمداران مخالفت با اندیشه اخوانی در جهان شناخته می‌شوند؛ مدلی از اسلام سیاسی که در جهان اهل سنت طرفداران بالایی دارد و در تقابل مستقیم با اندیشه‌های این دو کشور است. ترکیه و قطر به عنوان سردمداران اندیشه اخوانی توانستند با مدیریت رویدادهای مرتبط با فلسطین و همچنین طراحی مرتبط با تحولات سوریه، نهایتاً به پیروزی در این میدان دست پیدا کنند و حالا دست برتر را در زمینه ایدئولوژیک دارند. این مسئله باعث می‌شود این دو کشور به صورت تاکتیکی در کنار ایران قرار بگیرند و امکان طراحی مشترک وجود داشته باشد.

اما مهم‌تر از این نگاه ایدئولوژیک، مسئله دوران گذار در نظام بین‌الملل است. واحدهای سیاسی مختلف در دوران گذار تلاش می‌کنند با افزایش قدرت، جایگاه خود در نظام بین‌الملل بعدی و جدید را بالا ببرند. در این وضعیت، «جنگ» یکی از ابزارهای قدرتمند برای کسب یا از دست دادن قدرت است. با این پیش‌فرض، اقداماتی که ترکیه — به‌عنوان یکی از اضلاع مثلث قدرت در غرب آسیا؛ یعنی ایران، ترکیه و عربستان — در سال‌های اخیر انجام داده، باعث برتری آنکارا در این زمینه شده است؛ یعنی حالا و در شرایط دوران گذار، ترکیه توانسته ضمن کنار زدن یکی از نگرانی‌های امنیتی در همسایگی خود — یعنی سوریه — رقبای میدانی خود — یعنی ایران و عربستان — را هم پشت‌سر بگذارد.

این بستر، همان مسیر مناسب برای ایجاد مدلی از همکاری میان تهران و ریاض است. با نگاهی به تاریخ روابط بین‌الملل و بررسی مقطعی که از آن با عنوان «کنسرت اروپا» نام برده

سقوط حکومت بشار اسد در سوریه و تبدیل این کشور به یک «دولت فرومانده» یا همان Failed State که با حضور گروه‌های داخلی متعدد و قدرت‌های خارجی مشخص — نظیر ترکیه، آمریکا، قطر و اسرائیل — شکل گرفته، یکی از ستون‌های راهبردی «شبکه مقاومت» را دچار آسیب جدی کرد و مسیر دستاوردهای عملیات طوفان الاقصی را که از سال گذشته آغاز شده بود، مسدود کرد. حضور پررنگ عملیاتی رژیم صهیونیستی در روزهای اخیر در سوریه و تلاش برای از بین بردن زیر ساخت‌های دفاعی و راهبردی‌اش در کنار ورود زمینی ارتش اسرائیل به خاک این کشور و حضور در مناطقی فراتر از جولان اشغالی، مشخص می‌کند که راهبرد تل‌آویو در روزها و ماه‌های پیش‌رو، پیشبرد طرح مطلوب خود به منظور ایجاد نظم نوین در منطقه غرب آسیاست.

در چنین شرایطی، نیاز به یک تغییر راهبرد از سوی شبکه مقاومت و در رأس آن ایران وجود دارد که بتواند این فرآیند را متوقف و حتی معکوس کند. نگاهی به مسیر طراحی‌شده از سوی طرف غربی در سال ۲۰۰۰ میلادی به منظور ایجاد «خاورمیانه جدید» که با عملیات نظامی علیه عراق و افغانستان همراه بود، نشان می‌دهد اتخاذ یک راهبرد دقیق و درست از سوی ایران علاوه بر اینکه توانست از ادامه این پروژه دومینویی و سرایت آن به تهران جلوگیری کند، زمینه را برای تکمیل و تثبیت شبکه مقاومت به‌عنوان راهبرد بنیادین منطقه‌ای کشورمان نیز فراهم کرد. یکی از محورهای سخنان رئیس‌جمهور وقت آمریکا درباره ترور سرلشکر شهید قاسم سلیمانی، تاکید بر نقش وی در زمین‌گیر کردن نظامیان آمریکایی در عراق و جلوگیری از پیشرفت پروژه خاورمیانه جدید بود.

حالا و در شرایط کنونی نیز نیاز به چنین اقدامی، ضروری به نظر می‌رسد. پروژه نظم نوین غرب آسیا که با عملیات میدانی اسرائیل در حال پیشروی است، با سقوط حکومت اسد در سوریه به یک دستاورد بزرگ رسید، اما هنوز فاصله زیادی با پیروزی دارد و اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که ایران می‌تواند با طراحی و اعمال یک راهبرد درست، ورق را برگرداند؛ همان‌طور که در سال‌های پس از اشغال عراق و افغانستان از سوی ایالات متحده، ورق برگشت و مدیریت نظم امنیتی منطقه در اختیار مقاومت قرار گرفت.

یکی از نقاط کانونی در این راهبرد جدید، باید توجه به عربستان سعودی و امارات متحده عربی باشد؛ دو کشوری که در نگاه



بایمن ضعیف خداحافظی کنید!

روزنامه تایمز اسرائیل می‌نویسد که، حملات آمریکا و اسرائیل به یمن شکست خورده و «انصار الله» به عنوان یک نیروی برجسته منطقه‌ای در حال ظهور هستند. انصار الله یمن در حال تبدیل شدن به یکی از بی‌رحم‌ترین و مقاوم‌ترین دشمنان اسرائیل هستند.

انصار الله در یمن به عنوان یک نیروی برجسته منطقه‌ای در چهارچوب محور مقاومت که گزارش اسرائیل آن را «ایرانی» توصیف کرده است، قیام می‌کند. انصار الله «به عنوان یک شبه نظامی کوچک مستقر در کوه‌های شمالی یمن آغاز شدند، اما در طول جنگ به‌طور چشمگیری توسعه یافتند».

علیرغم حملات شدید اسرائیل و آمریکا، این حملات باعث تضعیف عزم آنها نشد، بلکه باعث تقویت ارتباط آنها با محور مقاومت شد که به آنها امکان ساخت نظامی و قابلیت‌های فنی قابل توجهی را داد.

در این گزارش آمده است که «انصار الله از نظر فنی صلاحیت بیشتری پیدا کرده‌اند، که آنها را به یک تهدید استراتژیک با ابعاد منطقه‌ای تبدیل می‌کند». وی با اشاره به اینکه روابط آنها با چندین مخالف آمریکا موقعیت آنها را به عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه تقویت می‌کند که نشان دهنده تبدیل آنها از یک قدرت محلی به بخشی تأثیرگذار در درگیری‌های خاورمیانه است.

نیروهای مسلح یمن در عملیات نظامی خود علیه دشمنان اسرائیل و حامیان آن، ایالات متحده آمریکا و انگلیس، با ممنوعیت دائمی ناوبری اسرائیل در منطقه دریای سرخ، ضربه مهلکی به هژمونی آمریکا در منطقه و همچنین انجام حملات مشخص در اعماق اشغالگران با استفاده از پهپاد های مانند یافا که به تل‌آویو حمله کرد و یا با استفاده از موشک های مافوق صوت که در عرض چند دقیقه به زمین می‌رسند که موازنه جنگ در غزه را تغییر داد و شگفتی و شوک را در سراسر جهان در مورد توسعه تسلیحات یمنی ایجاد کرد.

احتمال حمله اسرائیل به ایران را بسیار بالامی‌دانم

محمدامینی



هاکان فیدان وزیر خارجه ترکیه در مصاحبه با فرانس ۲۴ در خصوص وضعیت منطقه و احتمال جنگ بین رژیم اسرائیل و ایران گفت: احتمال آن را بسیار بالا می‌دانم و در پاسخ به این سوال که آیا احتمال این جنگ را به دلیل ضعیف شدن ایران می‌دانید یا خیر گفت: به هر دلیلی که می‌خواهد باشد. احتمال اتفاق افتادن آن وجود دارد.

تنها چیزی که می‌دانم این است که ایرانی‌ها خواهان این نیستند. آنها از یک جنگ بزرگ پرهیز می‌کنند. این را از دیدار با دوستان ایرانی‌ام دریافته‌ام.

بخشی از سرزمین‌های اشغالی خواهد بود.

امینی با بیان اینکه صهیونیست‌ها در ۱۵ کیلومتری دمشق قرار دارند، گفت: آنها تمام تجهیزات نظامی، کارخانه‌ها و تسلیحات آنها را از بین برده‌اند.

وی با اشاره به تاریخ پر تنش سوریه از زمان تشکیل تا کنون بیان کرد: در صدسال گذشته، نزدیک به هشت کودتا در سوریه داشتیم اما سعی کردند در ۵۰ سال گذشته یک تثبیتی ایجاد کنند و کشور را به سمت جلو حرکت دهند.

این کارشناس مسائل سیاسی و بین‌الملل از وضعیت بغرنج سوریه و تکه‌پاره شدن آن پس از سقوط دولت اسد گفت و اشاره کرد: رژیم صهیونیستی مصوب کرده است در جولان اشغالی شهرک‌سازی کند و چند ده میلیون دلار هم بوجه برای این منطقه را دارند. از سوی دیگر کردها هم مدعی هستند باید از بخش‌هایی از خاک سوریه جدا شوند و کشور مستقل خود را تشکیل دهند. همچنین ترک‌ها هم حضور پررنگی در این عرصه دارند و بخش زیادی از نیروهای تحریرالشام تحت رهبری محمد جولانی با پرچم ترکیه در میدان حضور داشتند و دارند.

وی با تأکید بر اینکه نیروهای محمد جولانی را نباید «تحریرالشام»

محمدامینی با بیان اینکه تروریست‌ها در سوریه بعد از ۱۴ سال خود را بازآزمایی کردند، گفت: در آن زمان وقتی اقدامات خود را برای براندازی حکومت سوریه شروع کردند به دلیل میزان جنایت و اقدامات خشنی که انجام دادند علی‌رغم گلايه‌هایی که مردم سوریه از حاکمیت خود داشتند، با تروریست‌ها و معارضین همراهی نکردند.

وی با اشاره به کمک محور مقاومت به مردم سوریه و از بین بردن داعش بیان کرد: موضع ایران در آن مقطع برای ورود به سوریه، از بین بردن داعش بود زیرا خطر زیادی برای کشورمان داشت. ظرف یک سال گذشته تروریست‌ها شعارها و حتی چهره‌های خود را تغییر داده‌اند. محمد الجولانی برخلاف ۱۴ سال پیش، کتوشلوار تن می‌کند و سعی دارد حرف‌های جذاب بزند.

این کارشناس مسائل سیاسی و بین‌الملل در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو از چالش‌ها و آسیب‌هایی که اقتصاد سوریه پس از جنگ با تروریست‌ها گفت و اظهار کرد: مردم سوریه در تنگنای اقتصادی و امنیتی زیادی قرار گرفتند و با چالش‌های گسترده‌ای مواجه شدند. تروریست‌ها با تغییر گفتمان خود، حالا روی همین چالش‌ها و مسائل سوار شده‌اند تا به این شکل یک اقبال درونی و بین‌المللی برای خود فراهم کنند.

وی از حضور نیروهای رژیم صهیونیستی و تصرف بخشی از خاک سوریه گفت و عنوان کرد: محمد جولانی حالا باید محمد اسرائیلی خطاب شود زیرا جولان که محل زادگاه او است، هم اینک در تصرف رژیم صهیونیستی است و آنها اعلام کردند جولان



خطاب کرد اظهار کرد: تحریر از حریت به معنای آزادی می‌آید اما بعید است این گروه‌ها آزادی را برای مردم سوریه ایجاد کنند. این گروه‌های تروریستی نه به دنبال آزادی سوریه بلکه به دنبال «شام» هستند که فراتر از صهیونیست‌ها محسوب می‌شود.

امینی آینده سوریه را مبهم دانست و تصریح کرد: امروز گروه‌های زیادی در سوریه وجود دارند که خواهان بخش یا حتی تمام سوریه هستند که منجر به درگیری‌ها و متأسفانه تجزیه این کشور خواهد شد که شرایط سختی برای مردم سوریه رقم خواهد زد.

سیدسجاد ایزدهی

ارزش‌گرایی و قانون‌گرایی؛ شاخصه حکمرانی معیار

کنیم را می‌توانیم در قالب یک شاخص‌هایی ارائه کنیم که امکان صدور دارد؛ ولو اینکه آن کشورها مسلمان یا شیعه نباشند. همان منطقی که موجب شد بانک جهانی ارزش‌های نظم دموکراسی را بر اساس شاخص‌هایی به کشورهای دیگر توسعه بدهد، همان منطق حکم می‌کند که ما بتوانیم نظم بدیل را در اندازه تمدنی به کشورهای دیگر صادر کنیم؛ لذا شاخص‌هایی که برای این کار در نظر گرفته می‌شود را باید از ذات ولایت فقیه استنتاج کنیم و آن را صادر کنیم مثلا اگر قرار باشد ما لب ولایت فقیه را فارغ از آن شخصیتی که ولی و فقیه است بیان کنیم، می‌توان در این قالب ارائه کرد؛ «حکومت شایستگی» زمانی که شایستگی‌ها حکم شدند طبیعتا بسیاری از مؤلفه‌ها خود به خود حاصل می‌شود؛ مثلا در بحث نظارت که یکی از مؤلفه‌های بعدی در حکمرانی است اگر شخصی شایسته بود، طبیعتا نظارت او حداقلی خواهد بود، چون خود به خود منطق از بین رفتن استبداد حاصل می‌شود.

پایایی حکومت و نسبت آن با مردم

رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه گفت: در نظم مردم‌سالاری دینی، مردم، ذات و محور این حاکمیت هستند و طبیعتا حضور مردم می‌تواند چند چیز را به ارمان بیاورد، وقتی مردم در کنار حکومت باشند، حکومت پایا و برقرار است و زوال نخواهد داشت؛ چون مردم خودشان برای خودشان تصمیم می‌گیرند و طبیعتا پایایی و پویایی حکومت تضمین می‌شود و از جهت دیگر کارآمدی حکومت را نیز تضمین می‌کنند. وقتی مردم نقاط ضعف را بدانند حکومت کارآمد هم خواهد بود؛ لذا نظم مردم‌سالاری دینی اگر در ذیل حکمرانی بیاید و اشراق شود چهار چیز را حتما در بر خواهد داشت.

حجیت؛ یعنی باید این نظم دینی، مبتنی بر ادله پیشینی و ادله عقلی و نقلی باشد و حجیت این نظام را تضمین کند؛ بنابراین مردم‌سالاری دینی حجیت آن را تضمین می‌کند و مردم‌سالاری او می‌تواند سه نکته را تضمین کند: کارآمدی، پویایی و پایایی. این مدل از حکمرانی که بتواند هم‌زمان حجیت و کارآمدی و پویایی و پایایی داشته باشد و مردم را به خودش ضمیمه کند، مدلی در منطق رهبر انقلاب است که ما این مدل را در نظم بدیل نمی‌بینیم؛ یعنی کارآمدی متناسب با خودش ندارد و یا ارزش‌ها تهی شده است.

وی در اهمیت شایسته‌سالاری گفت: یکی از مباحث دیگری که در حکمرانی اسلامی می‌توانیم شاهدش باشیم این است که اصل در این جا شایسته‌سالاری است؛ یعنی شایستگی محور امور قرار می‌گیرند، نه کسانی که شایستگی ندارند و با هر گونه تبلیغاتی یا هر گونه فریب مردم می‌توانند عهده‌دار اداره جامعه باشند و مقبولیت نمایی کنند. اما شخصی که شایسته است خود به خود یک بخش زیادی از مسیر مقبولیت نیز هموار می‌شود.

ارزش‌گرایی و قانون‌گرایی، از شاخصه‌های حکمرانی خوب است

حجت الاسلام ایزدهی در ادامه گفت: از جمله مباحث در عرض مدل‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب، بحث ارزش‌گرایی است. در مدل حکمرانی خوب عمدتاً ارزش‌های پسینی که محور تقنین و اجرا باشد نداریم. ملاک در تقنین و اجرا نهایت این است که اراده عمومی مردم باشد و اراده عمومی مردم نیز عمدتاً به واسطه رسانه‌ها تغییر می‌کند. لذا یک پایه و اساس رفتاری ندارد و ممکن است نو به نو تغییر کند؛ اما در ادبیات نظم حکمرانی ولایی ارزش‌ها ثابت است.

ارزش‌های پیشینی که به واسطه تبلیغات تغییرپذیر نیستند؛ بلکه اینها یک ارزش‌های عقلانی وجدانی فطری هستند که همواره وجود دارند و آنها محور تقنین قرار می‌گیرد. لذا ارزش‌مداری ذیل نظم مردم‌سالاری دینی می‌تواند ملاک متمایزی باشد؛ لذا اخلاق در اداره اخلاق در تقنین، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق حکمرانی کاملاً می‌تواند نظم اداره را متمایز کند.

با وجود اینکه در حکمرانی خوب هم مقوله‌ای به نام قانون‌گرایی وجود دارد، اما قانون‌گرایی که آنجا مدنظر است با نظم شاخص‌هایی خوب متفاوت است. قانون‌گرایی یعنی قانون مبتنی بر خاستگاهی که مشکلات را می‌شناسد و حل آن را می‌داند؛ لذا اینها به خداوند واگذار می‌شود و در عرض آن پیامبر و در امتداد آن‌ها اهلبیت و فقها هستند.

قوانین باید مبتنی بر شاخص‌هایی اصیل باشند، مبتنی بر نظم خدا انگاری باشند؛ لذا قوانین، ناظر به شناخت واقعی انسان و حل مشکلات او است.

تفاوت پاسخگویی در مردم‌سالاری دینی و نظم غربی

رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه درباره شاخصه پاسخگویی در نظم ولایی و نظم غربی گفت: در نظم مردم‌سالاری دینی و حکمرانی متعالی پاسخگویی فرض است. البته پاسخگویی در نظم غربی هم هست؛ اما پاسخگویی در مدل حکمرانی متعالی، متفاوت است. علتش هم این است که در پاسخگویی انسان‌ها طلب پاسخ می‌کنند؛ نه به عنوان انسان‌های خودبنیاد و نه به عنوان انسان اومانیسم؛ بلکه انسانی که خلیفه‌الله است و خداوند از آنها خواسته است پاسخ بخواهد و همان خدا هم از حاکم خواسته است که پاسخ بدهد. یعنی ملاک این است که در دایره ارزش‌ها و دایره آن ویژگی‌های قانون الهی، هم حاکم ملتزم به پاسخ دادن است و هم مردم موظف به پرسیدن سوال هستند. این حق و تکلیف را دوگانه را خداوند بر بشر تفویض کرده است. مهم این است که چه حاکم و چه مردم دیگران بتوانند ویژگی‌های مد نظر مردم‌سالاری را تضمین کنند. شاید تعبیری که در فقه ما شده نصح و خیر خواهی است که در ادبیات امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم حاکم به نصح مستند شده و هم به مردم؛ هر دو باید خیر خواه و نصیحت پذیر باشند. نکته مهم در نظارت و پاسخگویی نسبت به حاکم مطرح است. نوع نظارت در نظم مردم‌سالاری دینی کاملاً متفاوت است. علتش هم

این است که اگر قرار باشد حاکمی را به نظارت بکشیم، این حاکم اگر یک حاکم خودساخته و ملتزم به قانون و دارای ارزش‌های اخلاقی باشد، طبیعتا نظارت حداقلی را می‌طلبد. به عبارت دیگر مسأله نظام‌های غربی و نظارت و پاسخگویی که در حکمرانی خوب مطرح است عمدتاً از بین برنده‌ی استبداد است؛ یعنی چون فرض بر این است که حاکم می‌تواند مستبد باشد و چیزی او را مقید نمی‌کند؛ لذا نظارت پسینی یا نظارت قانونی و ساختاری به‌گونه‌ای خواهد شد که عملاً حاکم از استبداد در بیاید. اما در نظم مردم‌سالاری دینی، حاکم با وجود ویژگی‌هایی مثل فقاقت، عدالت و اخلاق‌مداری که دارد، خود به خود مستبد نمی‌شود. اگر هم ولایت فقیه از این اوصاف خارج شود خود به خود منزعزل است.

تفاوت عدالت و مساوات

وی شاخصه عدالت موجود در نظم ولایی را بسیار متمایز از شاخصه مساوات در نظم غربی عنوان کرد و گفت: از ویژگی‌های حکمرانی خوب که آن را از حکمرانی غربی متمایز می‌کند عمدتاً بحث عدالت است. در نظم‌های موجود عمدتاً بحث مساوات هست و در نظم مردم‌سالاری دینی بحث عدالت مطرح است.

عدالت همواره به معنای مساوات نیست، ممکن است باشد؛ اما در فرض اینکه یک جامعه ضعیفی وجود دارد و برخورداری کمتری دارند و نیاز به توانایی دارند، طبیعتا مساوات به معنای ظلم است. در آنجا باید برخورداری بیشتری برای آن‌ها برقرار باشد تا به سطح متعادلی برسند.

عدالت به معنای همسان‌سازی یا متعادل‌سازی جامعه به‌سمت مطلوب است؛ اما ممکن است که مساوات این‌گونه نباشد و مساوات به معنای همسویی، تبعاتی دارد. در نظم حکمرانی ولایی که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است بحث اقامه قسط و عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی اگر برقرار شد، تعادل اجتماعی برقرار می‌شود و جامعه تغییر می‌کند.

حجت‌الاسلام ایزدهی در تفاوت دموکراسی و مردم‌سالاری دینی گفت: وجه تمایز دولت در نظم غربی، دموکراسی و در نظم اسلامی، مردم‌سالاری دینی است و در بحث حکمرانی اگر بانک جهانی آمد و برای توسعه تمدنی خود در جوامع دیگر شاخص‌هایی گذاشت، دموکراسی را تبدیل به شاخص‌هایی کرده که اینها را تحت عنوان مشارکت، قانون، پاسخگویی مسئولیت‌پذیری، مساوات و... آورده که عمدتاً وجوه همان مردم‌سالاری و حاکمیت مردم بر خودشان است. اگر بنا باشد در یک تراز تمدنی، منطقی برای اداره جامعه داشته باشیم، طبیعتا باید در جوامع دیگر غیر مسلمان بتوانیم مردم‌سالاری دینی که برگرفته از ولایت فقیه است را تبدیل به شاخص‌های کنیم و به جوامع دیگر صادر کنیم. اصلا صدور انقلاب معنایش این است؛ «توسعه ارزش‌های مبتنی بر ولایت فقیه» برای جوامعی که شاید ضرورتاً تحقق ولایت فقیه برای آنها وجود نداشته باشد.

تمدن انقلاب اسلامی

حجت الاسلام ایزدهی گفت: انقلاب اسلامی به راهبری امام خمینی و رهبر انقلاب علاقتان و دایمان به این سمت رفتند که انقلاب اسلامی یک فرایند است و به سمت تمدن می‌رود و باید برود، چون فرض بر این است که باید به ظهور برسد و مقدمه‌سازی کند. طبعاً باید بتواند بخش زیادی از جوامع امروز جهان را پوشش بدهد و بتواند منطق حکمرانی را به آنجا صادر کند، در قبل منطق موجود مردم‌سالاری یک نظمی ارائه کند که این نظم بتواند نیازهایشان را برطرف کند و هم کارآمد باشد و مردم را به وسط جامعه بکشد.

از جهت دیگری بحث حکمرانی می‌تواند در یک تراز دیگری خلأهای داخلی نظام اسلامی را پوشش بدهد. اگر بحث حکمرانی، یکی از شاخصه‌هایش اثربخشی یا کارآمدی هست در نظام اسلامی هم همین فرایند وجود دارد. ما همه مواردی را که طبیعتا قابلیت صدور سیاسی و تعبیر رهبر انقلاب و امام که مردم همواره باید مشارکت داشته باشند، مردم را می‌دهند و در تظاهرات شرکت کنند و... همه اینها بحث مشارکت است. حضور حداکثری مردم باطل السحراست. در این نظم و مدل حکمرانی بحث نظارت و پاسخگویی یک مقوله اصیل است. ممکن است نسبت به حاکم یعنی ولی فقیه موضوعیتی نداشته باشد، اما نسبت به کارگزاران دارد. لذا مقوله تفکیک قوا برای پاسخگو کردن قوای نظام اسلامی است.

وی درباره مدل حکمرانی افزود: نکته محوری در بحث منطق حکمرانی که با شاخص‌هایی مطرح است این است که بتواند این نظم، مدلی از اداره را ارائه کند. این نکته مهم است که ما امروزه بر اساس منطق مرحوم امام و همچنین استمرار این منطق توسط رهبر انقلاب، ممکن است کسی بگوید در نظم ولایی ما نیاز به قانون اساسی و شاخص‌های پیشینی نداریم. در زمان گذشته این‌گونه بود و حاکم بر اساس منطقی کشور از اداره می‌کرد. مثلاً اتمه هر یک بر اساس ضوابطی اداره می‌کردند.

رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه در پایان گفت: آیا امروزه می‌توانیم بگوییم حاکم اسلامی بر اساس ویژگی‌هایی که دارد اداره کند؟ اما قانون اساسی و شاخص‌های حکمرانی می‌گوید رفتارهای کلان و اداره کلان با آمدن و رفتن یک ولی فقیه تغییر نمی‌کند؛ چون ملاک در نظم اداره ملاکی است که در همه حاکمان باید وجود داشته باشد؛ لذا اگر ولی فقیه دیگر هم در یک زمان دیگر بیاید، طبیعتا این شاخص‌ها در آن زمان هم برقرار است؛ همچنانکه در کشور اسلامی برقرار است.



تاثیر تفسیر امام خمینی (ره) از مسئله ولایت بر فقه سیاسی

داود مهدوی زادگان

حجت الاسلام داود مهدوی‌زادگان ریاست سازمان سمت در نشست بررسی تاثیر تفسیر امام خمینی (ره) از «مسئله ولایت» بر «فقه سیاسی» گفت: گستره فقه سیاسی از گستره ولایت فقیه سرچشمه می‌گیرد و برای تبیین این دیدگاه از نظریات امام خمینی «رحمة الله علیه» باید استفاده شود.

امام خمینی (ره) به دلیل شرایط محیطی نتوانستند نظریه ولایت فقیه را بیشتر توضیح دهند؛ همان‌گونه که در نامه‌ای خطاب به آیت الله خامنه‌ای در زمان رئیس‌جمهوری ایشان فرمودند مسأله ولایت فقیه عمق بیشتری دارد اما دیگران تاب تحمل ندارند و بیشتر نیز بیان نکردند.

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تاکید بر اینکه امام خمینی «قدس سره» گستره ولایت و حکمرانی دینی را در ساحت خداوند متعال، ولایت الهیه و رسول الله عنوان کردند، گفت: با این دید که خداوند مالک وجود است نمی‌توان گفت ولایت در حد سرپرستی صغار است؛ این ولایت نامحدود است و جایی نیست که برای خداوند این ولایت وجود نداشته باشد و این نوع ولایت مطلقه است.

وی در خصوص ولایت پیامبر عظیم‌الشأن گستره بی حد و مرزی را عنوان کرد و افزود: نمی‌توان این ولایت را برای صغار و ایتم تصور کرد یا این طور بیان کرد که مقداری از امور روی زمین مانده به عنوان امور حسبه را ایشان باید انجام دهند.

امام خمینی (ره) چون ولایت خداوند متعال و ولایت رسول‌الله را دیده‌اند عرصه ولایت را وسیع در نظر گرفته‌اند و این ولایت در هیچ متن فقهی به این شکل دیده نمی‌شود؛ بعضی‌ها گفته‌اند که ولایت فقیه از منظر امام خمینی (ره) از فقه به کلام سریان پیدا کرده در صورتی که قضیه این طور نیست و قضیه خلاف آن است و امام خمینی (ره) گستره ولایت کلامی را به فقه سریان داده‌اند.

با این نگاه بحث ولایت آنچنان در فقه جایگاه والایی دارد که وسعت آن در فقه فعلی نمی‌گنجد و این در صورتی است که هر فقیه در قسمتی از آن بحث کرده و صاحب جواهر در امر به معروف و نهی از منکر و شیخ انصاری در مکاسب و آیت‌الله بروجردی در نماز جمعه از آن بحث کرده‌اند و امام خمینی (ره) نیز در بحث بیع در موضوع «هن لایستحق له الولاية» در مورد آن بحث کردند. این در صورتی‌ست که بحث ولایت فقیه در هر بابی از فقه که بحث شود ذیل آن باب نمی‌گنجد؛ امام خمینی (ره) از این منظر مسأله را نیازمند تحول و نوآوری دیده است و به این شکل که باید ولایت را اصل دید و از فریعت در آورد و امور فقهی دیگر را فرع بر ولایت قرار داد و باید در ابواب اصلی فقه بحث ولایت را گنجانند.

ریاست سازمان سمت با تاکید بر اینکه بحث ولایت فقیه به شکل مطلقه از منظر امام خمینی رحمة الله علیه به این معناست که ولایت نسبت به امور فقهی دیگر مثل نماز و روزه مطلقه است، تصریح کرد: امام (ره) این سطح را مطرح می‌کنند و بالاتر می‌روند مانند آن روایتی که خمینی رحمة الله علیه هم ساماندهی و بازسازی جدیدی در فقه امامیه انجام دادند...

وی در پایان با تاکید بر اینکه موضوع حکم ولایت مسائل فردی نیست، افزود: اگر موضوع مسائل فردی باشد، در این صورت دست فقیه به این شکل باز نبود، موارد اجتماعی مثل جنگ و صلح و پاسپورت و غیره با این گستره باید زیر نظر ولی فقیه باشد؛ اگر این چنین بود موضوع بنگریم و از موضوع فردی بحث را به مسأله دولت و اجتماع گسترش دهیم، در این صورت دست ولی فقیه باز می‌شود و این فقه گستره‌ای پیدا می‌کند که در دوران غیبت تا هر زمان که باشد قابل رشد است و می‌تواند به ظهور معصوم علیه السلام منجر شود.

دشمنی دوبرادری که حالانابود شدند روایتی از درگیری حزب بعث سوریه و حزب بعث عراق



در جریان حوادث و کشمکش‌های بنیادینی که جهان عرب از آن می‌گذشت، خصومت و دشمنی میان عراق و سوریه شکل گرفت. هرچند که آن دو از نظر جغرافیایی هم مرز و از جهت دین، مابانی و زبان شبیه یکدیگر بودند و هر دو توسط حزب بعث اداره می‌شدند ولی با این وجود اختلافاتشان روز به روز شدیدتر شد. حزب بعث حزبی عرب‌گرا، سکولار و سوسیالیست بود که توسط عده‌ای از روشنفکران عرب و در راس آنان میشل علفق و صلاح‌الدین البیطار تاسیس گشت. اگرچه هدف حزب بعث یکپارچگی کشورهای عربی بود، اما با وجود به قدرت رسیدن در عراق و سوریه هیچ‌گاه بدان نرسید. شاخه عراق بعثی‌ها در ۸ فوریه ۱۹۶۳ و در نهضتی که به انقلاب رمضان معروف شد، توانست عبدالکریم قاسم را از حکومت کنار بزند و خود بر تخت قدرت بنشیند. در ۸ مارس همان سال، بعثی‌های سوریه توانستند مانند هم‌قطاران عراقی‌شان بر تخت قدرت تکیه زند البته در حالی که عراقی‌ها فقط چند ماه پس از گرفتن قدرت توسط عبدالسلام عارف به کناری زده شده بودند.

علفق در سوریه اعلام کرد که حزب اوست که توانسته است کودتا را در عراق و سوریه رهبری کند؛ ولی برغم این مساله، روز به روز از نفوذ او کاسته و بر نفوذ اعضای نظامی حزب افزوده شد که حالا بر حکومت و رهبری فرع حزب در سوریه چیره شده بودند. این اعضای نظامی ابتدا با برخی رهبران مردمی مانند نور الدین آتاسی و یوسف زعین هم‌پیمان شدند و علفق را کنار زدند اما پس از مدتی اساساً لجنه نظامی حزب بیشترین نفوذ را نسبت به متفکرین حزب و یا رهبران مدنی داشت و توانست بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی مستولی شود؛ در حالی که روز به روز بخش مدنی و اجتماعی حزب به صورت واضحی در حال ضعیف‌تر شدن بود.

رهبران نظامی در حالی مناصب عالی را در حزب به دست گرفته بودند که اجازه نمی‌دادند مدنی‌ها در شئون دستگاه‌های نظامی دخالت کنند. این مساله موجب شد که بخش مدنی حزب (القیاده المدنیه) احساس کند که تسلطی بر اعضای نظامی ندارد؛ اینجا بود که شاخه مدنی حزب شروع به مقابله با شاخه نظامی و ضرورت تسلیم افسران در برابر نظریه‌پردازان کرد. امری که هیچ‌گاه رخ نداد و در نتیجه پدران مؤسس حزب یعنی علفق، صلاح البیطار و اکرم الحورانی سوریه را به مقصد بیروت ترک کردند.

در سال ۱۹۶۶ سوریه شاهد کودتای نظامی دیگری بود که در پی آن صلاح جدید و حافظ اسد به قدرت رسیدند؛ دو نفری که از تندترین اعضای شورای نظامی حزب علیه علفق بودند؛ در نتیجه علفق از حزب بعث سوریه کنار گذاشته شد و حکم اعدام غیابی او صادر گردید و حزب به دو شاخه رهبری منطقه سوریه و رهبری قومی در خارج از کشور تقسیم شد.

از سوی دیگر در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ بعثیون بار دیگر در عراق به قدرت بازگشتند و توانستند عبدالرحمن عارف را کنار نهند و بعثی‌های عراق به رهبری احمد حسن البکر و نائب رئیسش صدام حسین به حکومت رسیدند. از اینجا بود که رقابتی دیوانه‌وار میان دمشق و بغداد آغاز گشت که حالا علفق را در بر گرفته و او را به عنوان دبیر کل حزب بعث در عراق انتخاب کرده بود. منصبی که تا سال ۱۹۸۹ و هنگام مرگش بر آن تکیه زد.

همگرایی و واگرایی

تلاش‌هایی برای واسطه‌گری میان دو حکومت بعث انجام گرفت و ارتش عراق در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ ارتش سوریه را علیه اسرائیل یاری کرد اما به سرعت روابط دو کشور وخیم شد. با پیشرفت مذاکرات مصر-رژیم اشغالگر صهیونیستی، سوریه از انزوای خود در منطقه ترسید. با برگزاری جلسات و گفتگوهای

عمر گروه‌های تروریستی در سوریه کوتاه است

احمد شهیدی

احمد شهیدی شرایط سوریه را پیچیده و بحرانی توصیف کرد و گفت: ترکیه تحت عنوان دولت موقت سوریه در این کشور حضور دارد. تحریر الشام هم تحت عنوان دولت نجات سوریه در این کشور گام برداشته است. همچنین گروه‌های دیگری همچون نیروهای دموکراتیک سوریه و کردها یک ترکیب دیگری ایجاد کرده‌اند.

وی با بیان اینکه سوریه پکیجی از ناهماهنگی‌ها و زیاده‌خواهی‌های گروه‌های مختلف است، اظهار کرد: هیچ‌کدام از این گروه‌ها نخ تسبیحی ندارند و در این میان، داعش، تحریر الشام و اسرائیل مسیر مشترکی را از نظر محتوایی طی می‌کنند.

این کارشناس مسائل سیاسی از روزهای تلخ‌وشیرین زیادی که در سوریه توسط نیروهای مقاومت تجربه شد گفت و اشاره کرد: در آن زمان تجربه‌های شیرینی وجود داشت زیرا یک وحدت و هماهنگی بین مردم شریف سوریه و رزمندگان جبهه مقاومت ایجاد شده بود اما از سوی دیگر خیلی از دوستان و رزمندگان مقاومت به شهادت رسیدند.

وی به صحنه پیش روی کشور سوریه اشاره و بیان کرد: رهبر معظم انقلاب اسلامی دقیق‌ترین افق و دیدگاه را دارند و ایشان از جوانان سوری گفتند که قطعاً قیام خواهند کرد و سوریه را پس خواهند گرفت. امروز مردم سوریه در شرایط خوبی نیستند و باید به سمتی حرکت کنیم که شاهد یک آرامش در این کشور باشیم.

شهیدی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو تغییر ماهیت گروه‌های تروریستی را ساده‌انگارانه دانست و اظهار کرد: اسرائیل با گروه‌های مستقر در سوریه که حاکمیت این کشور را سرنگون کردند یک همراهی دارند. البته این گروه‌های تروریستی سعی دارند با رفتارهای پوپولیستی، افکار عمومی را فریب دهند اما واقعیت آن است که هیچ تفاوتی بین این گروه‌ها با داعش وجود ندارند و صرفاً شکل خود را تغییر دادند ولی محتوا و هدف مشترکی دارند.

وی عمر گروه‌های معارض و تروریستی در سوریه را کوتاه عنوان کرد و گفت: شاید آنها در کوتاه‌مدت به مقاصد پوشالی و مادی خودشان برسند اما در نهایت به هیچ‌کدام از آن اهداف دست پیدا نخواهند کرد و از سوریه فرار خواهند کرد.

این کارشناس مسائل سیاسی با یادآوری این موضوع که شهید سلیمانی نابودی تشکیلات داعش را اعلام کرد، افزود: آنها پس از اینکه تمام توان خود را از دست دادند به سمت ترکیه رفتند و با عناوین مختلف اما در یک اتاق فکر مشترک دولت سوریه را ساقط کردند.

وی جبهه مقاومت را به فضل خدا و مدد اهل بیت (ع) زنده دانست و تصریح کرد: همان‌طور که جبهه مقاومت اتفاقات مبارکی در سال‌های گذشته رقم زد، در مسائل پیش رو هم موفق خواهد بود و کشور سوریه حتماً به دست مردم آن خواهد افتاد.

وابسته به یک جنبش انقلابی یعنی حزب بعث سوسیالیست عرب هستند، همچنان تناقضات فرعی و ثانویه را بر مواجهه با دشمن مقدم بدانند؟ این تناقضات نباید در حدی باید که سرنوش امت عربی را مورد تهدید قرار دهد و موکداً بگویم که بعد از تجربیات طولانی و مکرر واضح است که اراده تفرقه و جدایی اصل و اساس است و توجیهات سیاسی و عقیدتی برای این است که این اراده را موجه جلوه دهد. (میشل علفق، نقطه شروع، مقاله ندای مسولیت) اختلافات میان دو فرع حزب را می‌توان با عوامل متعددی توضیح داد: بارزترین آن بذر تقسیمی است که از همان ابتدای تاسیس حزب کاشته شد. زیرا حزب بعث از مجموعه احزابی که با یکدیگر در دهه ۴۰ ادغام شدند تشکیل شده بود و نهایت الامر حزب سوسیالیستی اشتراکی به رهبری اکرم الحورانی در نوامبر ۱۹۵۲ بدان پیوست. علاوه بر این ریشه‌های ایدئولوژیک نیز در این تقسیم‌ها موثر بود. (بشیر زین العابدین، ارتش و سیاست در سوریه، دار الجبیه ص ۲۵۴)

مسئله‌ای دیگر، فضای فرقه‌ای و طائفی بود که در این اختلافات موثر بود. وقتی حزب بعث در سوریه به قدرت رسید، اعضای آن پس از تجربه شکست خورده اتحاد با مصر در سال ۱۹۶۱ و هم چنین انشقاقاتی که موجب جدا شدن افراد نظریه پرداز از حزب شد، بسیار اندک بودند. از این رو حزب به سیاست پذیرش عضویت افسارگسیخته برای بالا بردن تعداد اعضایش پناه برد و از این رو افراد متناسب به اقلیت‌های دینی بشدت جذب آن شدند؛ افرادی که علم زیادی از حقیقت اندیشه‌های حزب نداشتند و در نهایت موجب شد که افراد کمی از افسران علوی که در آنها تعصب طائفی و عشیره‌ای موج می‌زد به قدرت برسند. از سوی دیگر اتحاد عراق با سوریه اقلیت علوی را وارد دریایی وسیع از اهل سنت مابین خلیج فارس و دریای مدیترانه می‌کرد (و در نتیجه گرایشات علوی در حزب بعث سوریه و گرایشات سنی در حزب بعث عراق بر جدایی دو شاخه حزب از یکدیگر اثر گذاشت).

علاوه بر این عوامل شخصی نیز از مهم‌ترین عوامل دشمنی بین صدام حسین و حافظ اسد به شمار می‌رفت. صدام دنبال هیمنه و زعامت منطقه‌ای بود و از مؤسس حزب بعث یاری طلبید که مقر قیاده منطقه‌ای حزب را در بغداد قرار دهد و شاخه سوری فرع آن باشد. هم چنین صدام پذیرای افراد بلندپایه‌ای از حزب بعث سوریه مانند دو رئیس سابق حزب بعث، منیف الرزاز، شبلی العسیمی و ... در بغداد شد.

علاوه بر این مساله، وحدتی که حسن البکر آن را به همراه اسد طرح‌ریزی کرده بود صدام را در بهترین حالت به مرد نفر سوم تبدیل می‌کرد در حالی که او در آستانه رسیدن به قدرت اول و سلطه در عراق بود و در واقع هم نفر اول حکومت عراق به شمار می‌رفت. نکته دیگر هم این بود که هم صدام حسین و هم حافظ اسد خود را وارث زعامت جمال عبدالناصر پس از وفاتش در سال ۱۹۷۰ می‌دانستند و از این رو بلندپروازی‌های آنان محدود به کشورهايشان نمی‌شد.

ایجاد منطقه تف اسرائیلی

همسایه است. این منطقه دارای منابع آبی حیاتی است که رود اردن را تغذیه می‌کند، از جمله رودخانه حاصبانی که از لبنان و از جولان می‌گذرد. اسرائیل در حال برنامه‌ریزی «منطقه دفاعی استرلی شده» در جنوب سوریه است، زیرا به حملات خود به این کشور پس از سقوط بشار اسد، رئیس جمهور این کشور ادامه می‌دهد.

کاتس در جریان بازدید از یک پایگاه دریایی در این شهر اسرائیل گفت: «به همراه نخست وزیر، [به نیروهای نظامی] دستور دادم تا یک منطقه دفاعی استرلی عاری از سلاح و تهدیدات تروریستی در جنوب سوریه بدون حضور دائمی اسرائیل ایجاد کنند. وی مدعی شد این اقدام به منظور «جلوگیری از استقرار و سازماندهی تروریسم در سوریه» بوده است. منبع امنیتی منطقه‌ای و یک منبع امنیتی سوریه به رویترز گفتند نیروهای نظامی اسرائیل به شهر قطنا، واقع در ۱۰ کیلومتری خاک سوریه، در شرق منطقه غیرنظامی شده که بلندی‌های جولان اشغالی توسط اسرائیل را از سوریه جدا می‌کند، رسیدند. راهبرد تل‌آویو در موضوع سوریه همان نظریه ترکیبی از فرصت‌طلبی و استراتژی است که می‌خواهد از دوران پسا اسد استفاده کرده و نظم جدید مرزی ایجاد کند که در این نظم دیگر سوریه خطری برای اسرائیل نباشد.

این نظم جدید فکری اسرائیل مبتنی بر این موضوع خواهد بود که باید در مرزهای سرزمین‌های اشغالی دیگر خطری برای ایجاد ۷ اکتبر جدید پدید نیاید. اسرائیل اساساً به دنبال اشغال دمشق نیست، بلکه در پی آن است که در پی هرج و مرج در سوریه بتواند با اشغال نقاط راهبردی، هرگونه خطر زمینی و تسلیحاتی را دور کند. اسرائیل می‌خواهد تمام دارایی‌های راهبردی سوریه را نابود کند، البته این دارایی فقط سلاح نیست، بلکه همین منطقه بلندی‌های جولان یک دارایی استراتژیک بزرگ برای اسرائیل و سوریه

است. این قلمرو محل قرارگیری کوه هرمون، مرتفع‌ترین قله سوریه است و همچنین بخوبی در دید مناطق مرزی لبنان، از جمله دره بقاع تحت کنترل حزب‌الله قرار دارد.

مرکز تحقیقات و آموزش اسرائیلی آلمان که متخصص چالش‌های امنیتی اسرائیل در مرز شمالی آن است، اعلام کرد حدود ۵۵۰۰۰ نفر در جولان اشغالی زندگی می‌کنند که حدود ۲۴۰۰۰ نفر از آنها در روزی هستند و همین موجب شده تل‌آویو به فکر تصرف منطقه سوری جولان هم باشد. نکته پایانی و مهم آن است که اسرائیل قصد دارد با تصرف نقاط مهم در مرز بین سوریه و اسرائیل به ایجاد یک منطقه سه‌ضلعی مانند تفک آمریکا در مرز بین اردن،

سوریه و عراق ایجاد کرد مبادرت کند و اینگونه بتواند هر رفت و آمدی در این ۳ کشور را زیر نظر داشته باشد.



محمدعلی حسن‌نیا

اسرائیل از روز بعد سقوط بشار اسد حمله زمینی به مناطق حائل در اطراف جولان را آغاز کرد و این ماجراجویی به قصد آن انجام می‌شود تا موقعیت جغرافیایی در منطقه تغییر کند. نتانیاهو بلافاصله بعد از تصرف دمشق به ارتش دستور داد منطقه کوه‌های هرمون به مرکزیت جبل‌الشیخ که مشرف بر سه ضلعی (سوریه-اسرائیل-لبنان) است را تصرف کند. همچنین برخی روستاهای منطقه از جمله قنطره و البعث نیز به تصرف اسرائیل درآمد و ارتش اسرائیل بین ۵ تا ۱۰ کیلومتر وارد مناطق روستایی سوریه شد. مهم‌ترین تصرف اسرائیل در چند روز اخیر منطقه فوق استراتژیک جبل‌الشیخ بود که یکی از آرزوهای همیشگی اسرائیلی‌ها برای داشتن موقعیت برتر در نبرد با سوریه و لبنان است. جنگ سال ۱۹۶۷ صدها هزار سوری را مجبور کرد از جولان به مناطق دیگر سوریه فرار کنند. جمعیت این منطقه اکنون ترکیبی از اعراب سوری و شهرکنشینان یهودی اسرائیلی است. گمان می‌رود جولان حدود یک‌سوم آب شیرین اسرائیل را تامین می‌کند. آب جولان به دریای جلیل و رود اردن می‌رسد. مهم‌تر از آن دریاچه طبریه است که اسرائیل حتی در مذاکرات باراک و حافظ اسد هم راضی نشد این منطقه را تحویل دهد با اینکه به نظر می‌رسد حاضر است جولان را تحویل سوریه دهد ولی دریاچه طبریه را به نظر تحویل ندهد. همین دلایل بود که رادیو ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد شورای وزیران تصمیم گرفت منطقه مرزی کوه هرمون سوریه در مجاورت بلندی‌های جولان را پس از عقب‌نشینی سربازان ارتش سوریه اشغال کند و منطقه حائل ایجاد کند و نتانیاهو هم توافق ۱۹۷۴ را لغو کرد.

بلندی‌های جولان یک فلات صخره‌ای در جنوب غربی سوریه، در حدود ۶۰ کیلومتری (۴۰ مایلی) جنوب دمشق است. از جنوب با رودخانه بزموک و از غرب با دریای جلیل

سه‌م ۳۰ درصدی وام ازدواج و فرزندآوری از تسهیلات بانکی

محمدطاهر رحیمی



قطعی برق؛ ناشی از عدم مدیریت یکپارچه

مالک شریعتی نیاسری

■ شروع فعالیت سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی از سال آینده

دکتر شریعتی نیاسری عضو کمیسیون انرژی مجلس در ارتباط تلفنی با برنامه «صبح و گفت‌وگو» رادیو گفت‌وگو درباره قطعی‌های برق اظهار داشت: قطعی‌های برق تغییراتی را در سیستم مدیریت برق کشور ایجاد کرد و برخی نیروگاه‌ها به دلیل عدم سوخت‌رسانی از مدار خارج می‌شدند که خاموشی‌ها توزیع شده تا ناترازی را جبران کند.

وی افزود: این اتفاق هر چند سال یکبار رقم می‌خورد و ممکن است در آینده نیز تکرار شود. این روند ناشی از عدم مدیریت یکپارچه در وضعیت انرژی کشور است. این موضوع باید به نحوی مدیریت شود که وزارت نفت و نیرو تقصیر را گردن یکدیگر انداخته و در نهایت مسئولیت آن مشخص نشود.

سابقه‌ای در حوزه وزارت انرژی در گذشته وجود داشته که باید به نحو جدیدی اصلاح شود.

شریعتی نیاسری پیش‌بینی کرد: با تدابیر صورت‌گرفته به‌ویژه در حوزه مدیریت مصرف در برنامه هفتم این موضوع تا حدودی قابل جبران است.

بخشی از ناترازی‌ها ناشی از مدیریت غیرمتمرکز است که در این ۲ وزارتخانه توزیع شده است. گام اول را مجلس در برنامه هفتم برداشته و سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی برای حوزه مدیریت مصرف شکل گرفته که از ابتدای سال ۱۴۰۴ آغاز به کار می‌کند.

عضو کمیسیون انرژی مجلس در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو ضمن تأکید بر مدیریت یکپارچه در حوزه تأمین منابع خاطر نشان کرد: نزدیک دو سوم مصارف انرژی کشور در بخش‌های غیرمرتبط با زندگی مردم است؛ لذا مردم هم از این جهت و هم از جهتی که تجهیزات پر مصرف با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار می‌گیرد نمی‌توان مردم را مقصر دانست. بنابراین باید امکان استفاده از تجهیزات مناسب را با شرایط مناسب در اختیار مردم قرار دارد و مردم تأثیرات صرفه‌جویی را در زندگی خود احساس کنند.

برای بهینه‌سازی مصرف انرژی، منابع مالی دیده شده و از سال آینده نیز یک مدیریت واحد کار را دنبال خواهد کرد تا هر صرفه‌جویی به گواهی‌های صرفه‌جویی تبدیل شود که در بازار قیمت دارد. در حال حاضر گواهی‌های صرفه‌جویی گاز حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان در هر مترمکعب قیمت خورده در حالیکه مصارف صنعتی تا حدود ۷ هزار تومان بوده است. این روند انگیزه کافی برای صرفه‌جویی را ایجاد می‌کند.

وی همچنین اذعان کرد: به‌طور کلی کشور ما جامعه پر مصرفی است. میانگین شدت مصرف انرژی در کشور بالاست که باید طی یک برنامه مشخص به حد مطلوب برسد.

اثرات اقتصادی خاموشی‌ها، بسیار مخرب است. اما متأسفانه نبود تدبیر جدی در دهه اخیر در این حوزه بخش نیروگاهی توسعه پیدا نکرد. برنامه‌های جدی برای آن در نظر گرفته شده که به نظر می‌رسد تا چند سال آینده بتوان کاستی‌ها را جبران کرد. مسیر به سمتی می‌رود که قیمت نیروگاه‌ها واقعی شده و یارانه مردم باقی خواهد ماند.

شریعتی نیاسری تشریح کرد: در برخی از شهرها با نگاه حوزه پدافند غیرعامل باید به سمت برقی‌سازی رفت. سیاست‌های قیمتی روی تغییر مدل مصرف اثرگذار است.

وام ازدواج و فرزندآوری نه تنها برای حمایت از تشکیل خانواده و رشد جمعیت ضروری است، بلکه می‌تواند به پویایی اقتصاد کشور نیز کمک کند. با این حال، صف‌های طولانی و تأخیر در پرداخت این وام‌ها، به یکی از موانع اصلی آغاز زندگی مشترک جوانان تبدیل شده است. در این راستا محمدطاهر رحیمی کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد گفت: ادعای اینکه این وام‌ها عامل اصلی ناترازی بانک‌ها هستند، بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی باشد، یک توجیه برای عدم پرداخت به موقع این تسهیلات است.

وام ازدواج؛ ابزاری برای کاهش فشار اقتصادی زوج‌های جوان وی ادامه داد: وام ازدواج در گذشته بیشتر به زوج‌های جوانی تعلق می‌گرفت که قصد داشتند با استفاده از آن، بخشی از مشکلات مالی زندگی مشترک خود را مرتفع سازند. بسیاری از زوج‌ها با این وام به دنبال تأمین مسکن، چه به صورت خرید یا اجاره، بودند. برخی دیگر نیز از این تسهیلات برای راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکار خود استفاده می‌کردند. همچنین، زوج‌هایی که با چالش شکاف میان درآمد و هزینه‌های زندگی روبرو بودند، از وام ازدواج برای جبران این کمبود و تأمین نیازهای اساسی خود بهره می‌بردند. به عبارت دیگر، هدف اصلی از اعطای وام ازدواج، کمک به زوج‌های جوان برای آغاز یک زندگی مستقل و پایدار بوده است.

رحیمی افزود: همانند سایر وام‌ها، امکان دارد بخشی بسیار اندک از این تسهیلات نیز به جای هدف اصلی، صرف مصارف دیگری شود. با این حال، درصد این انحراف بسیار ناچیز است. دلیل این امر آن است که خانوارهای ایرانی در حال حاضر با فشار شدید هزینه‌ها مواجه هستند و شکاف قابل توجهی بین درآمد و هزینه‌های آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، درآمد اکثریت خانوارها برای پوشش هزینه‌های زندگی کفایت نمی‌کند. این اختلاف فاحش بین درآمد و هزینه، باعث می‌شود که وام دریافتی عمدتاً صرف رفع نیازهای ضروری زندگی شود.

این کارشناس اقتصادی بیان داشت: در دهه نود شمسی، به دلیل افزایش شکاف بین درآمد و هزینه‌ها، نسبت بالای بدهی به درآمد و همچنین افزایش سهم پس‌انداز از بودجه خانوار، فشارهای اقتصادی شدیدی بر خانوارها وارد آمد. این فشارها منجر به کاهش قابل توجه نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق در جامعه شد. متأسفانه، اثرات این فشارهای اقتصادی تنها به حوزه اقتصاد محدود نماند و به تدریج بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز تأثیر گذار شد.

■ **بحران مسکن در تهران؛ اجاره‌بهای نجومی و فشار بر خانوارها**
وی اضافه کرد: آخرین آمارها نشان می‌دهد که سهم هزینه اجاره در سبد هزینه خانوارهای شهری کشور به طور متوسط

به ۴۲ درصد رسیده است. اما این رقم در کلان‌شهر تهران به شدت نگران‌کننده است و به حدود ۷۰ درصد رسیده است. این وضعیت نشان می‌دهد که خانوارهای مستاجر در تهران با فشار اقتصادی سنگینی روبرو هستند و بخش قابل توجهی از درآمدشان صرف تأمین مسکن می‌شود.

رحیمی گفت: در شرایطی که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تحت فشار شدید هزینه‌ها قرار دارند و به شدت نیازمند حمایت‌های مالی هستند، سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی، تخصیص اعتبارات به این بخش را محدود کرده است. در حالی که انتظار می‌رود بانک‌ها با تزریق نقدینگی و اعطای تسهیلات، به بنگاه‌های اقتصادی کمک کنند تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند، اما در عمل این اتفاق نیفتاده است.

این وضعیت، کسب‌وکارها را با بحران تأمین سرمایه در گردش مواجه کرده و بقای آنها را به خطر انداخته است.

■ تنها ۳۰ درصد از تسهیلات بانکی به وام ازدواج و فرزندآوری اختصاص می‌یابد

این کارشناس اقتصادی تأکید داشت: بررسی دقیق سبد تسهیلات بانکی نشان می‌دهد سهم وام ازدواج و فرزندآوری در مقایسه با سایر وام‌ها بسیار ناچیز است. این وام‌ها تنها حدود سه و نیم درصد از کل تسهیلات بانکی را به خود اختصاص می‌دهند، که این رقم بسیار ناچیز است و نشان می‌دهد تخصیص منابع به این حوزه اولویت لازم را نیافته است.

وی با تأکید بر اینکه ادعای وام‌های ازدواج و فرزندآوری عامل اصلی ناترازی بانک‌ها هستند، با آمار و ارقام موجود در تضاد است، افزود: حتی در بدترین سناریو و با فرض عدم بازپرداخت کامل این وام‌ها، همچنان این نوع تسهیلات از کمترین نرخ نکول برخوردار بوده و بهترین عملکرد را در میان سایر وام‌ها از خود نشان می‌دهند. این تناقض نشان می‌دهد که دلایل دیگری برای ناترازی بانک‌ها وجود دارد و نباید به طور نادرست این موضوع را به گردن وام‌های اجتماعی انداخت.

■ موفقیت چشمگیر بازپرداخت وام‌های ازدواج نسبت به سایر تسهیلات بانکی

رحیمی اظهار داشت: در حالی که وام ازدواج و فرزندآوری به خوبی توانسته‌اند به هدف خود در حمایت از تشکیل خانواده و افزایش نرخ تولد دست یابند، بسیاری از تسهیلات بانکی دیگر با چالش جدی عدم بازپرداخت مواجه هستند. این تفاوت چشمگیر در نرخ بازپرداخت، نشان می‌دهد که وام‌های اجتماعی



به دلیل انگیزه بالای متقاضیان و نظارت دقیق‌تر، عملکرد به مراتب بهتری نسبت به سایر تسهیلات بانکی دارند.

وی ادامه داد: بانک‌ها، وام‌ها را اغلب به نهادهای وابسته و مرتبط با خود اختصاص می‌دهند، در حالی که تسهیلاتی مانند وام ازدواج و فرزندآوری به صورت مستقیم به مردم پرداخت می‌شود. وام ازدواج و فرزندآوری به عنوان یک ابزار مالی، نقش محرکی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. با تزریق منابع مالی به خانوارها، قدرت خرید افزایش یافته و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات رونق می‌گیرد. این افزایش تقاضا، تولیدکنندگان را به افزایش تولید و سرمایه‌گذاری ترغیب می‌کند و در نهایت به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک شایانی می‌کند.

■ قطع وام‌های ازدواج و فرزندآوری؛ ضربه سنگین به اقتصاد و معیشت مردم

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: عدم پرداخت به موقع وام ازدواج و فرزندآوری، نه تنها به کاهش قدرت خرید خانوارها و در نتیجه کاهش تقاضا منجر شده، بلکه باعث رکود تولید و کاهش اشتغال نیز شده است. برای جبران این کمبود تولید، دولت مجبور به اختصاص ارزهای خارجی شده که خود به خروج سرمایه از کشور دامن زده است. در این شرایط، دولت برای احیای تولید مجبور به پرداخت تسهیلات کلانی به تولیدکنندگان شده که علاوه بر افزایش هزینه‌های دولت، رانت‌های جدیدی را نیز ایجاد کرده است.

رحیمی خاطر نشان کرد: قطع وام‌هایی که به عنوان تکیه‌گاه مالی خانوارها عمل می‌کردند، نه تنها به بودجه خانوار آسیب می‌زند و شکاف میان درآمد و هزینه را عمیق‌تر می‌کند، بلکه زنجیره تولید را نیز تضعیف کرده و به اقتصاد کشور ضربه جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. پیامدهای این تصمیم محدود به حوزه اقتصاد نیست و نارضایتی اجتماعی را تشدید کرده، مشارکت سیاسی را کاهش داده و کشور را با بحران مواجه می‌سازد.

ارتقای فضای کسب و کار وابسته به شفافیت و مبارزه با توزیع رانت

آلبرت یغزبان

■ ارتقای رتبه بهبود فضای کسب و کار ایران وابسته به شفافیت و مبارزه با توزیع رانت است

جهش تولید از جمله موضوعاتی به شمار می‌رود که نقش قابل توجهی در رشد اقتصاد کشور ایفا می‌کند، اما مساله حائز اهمیت این است که جهش تولید خود به خود اتفاق نمی‌افتد، بلکه مولفه‌هایی باید برای این منظور در دست اجرا قرار داده شود تا این مهم محقق شود در غیر این صورت رتبه کسب و کار پایین می‌آید و دومینوار تولید و رشد اقتصادی را تحت تأثیرات منفی قرار می‌دهد.

یکی از موضوعاتی که نشان دهنده رشد تولید و مسیر پیش روی رشد اقتصادی در هر کشوری است آمارهایی است درخصوص رتبه بهبود فضای کسب و کار؛ لذا هر چه این آمارها امیدوار کننده باشد نشان‌دهنده وضعیت مطلوب رشد و جهش اقتصادی است. در دنیای امروز شاخص‌های متعددی برای نشان دادن چگونگی وضعیت کسب و کارها در نظر گرفته شده است از جمله آنها می‌توان به موضوع چگونگی زمان و تسریع صدور مجوزها و حمایت‌هایی که سازمان‌های صدور مجوز از کسب و کارهای جدید و ایده‌های نوین دارند اشاره کرد.

مباحث مدیریتی، تورم، نرخ ارز، حمایت از نیروی انسانی و بسیاری از شاخص‌ها نشان می‌دهد آیا آن کشور در بهبود فضای کسب و کار تلاش ویژه‌ای صورت داده است یا اینکه در این

زمینه عملکرد موفقیت‌آمیزی نداشته است. وقتی ایران نسبت به کشورهای منطقه در جایگاه نرمالی قرار ندارد و رتبه کسب و کار ما ۱۷۸ است به این معناست که متأسفانه دولت نتوانسته شاخص‌های مرتبط با بهبود فضای کسب و کار را به عنوان یک اولویت مهم و ضروری عملیاتی کند. مبارزه با فساد اقتصادی و توزیع رانت را می‌توان از مهمترین شاخص‌های مرتبط با بهبود فضای کسب و کار عنوان کرد. از سوی دیگر شفافیت اقتصادی نیز موضوع بسیار مهمی است که اگر در میان نباشد رتبه فضای کسب و کار کاهش می‌یابد. دولت باید مشخص کند ایران در کدام شاخص‌های مرتبط با فضای کسب و کار عملکرد مثبتی نداشته که ما را در وضعیت بدی قرار داده و در قعر جدول مرتبط با آمارهای رتبه بهبود کسب و کار قرار گرفته ایم.

جدای از عملکرد غلط یا بی توجهی دولت‌ها به بهبود فضای کسب و کار می‌توان گفت تحریم‌ها نیز در وضعیت اقتصادی امروز کشور و از دست رفتن بخشی از تولید که موتور رشد اقتصادی کشور است موثر بوده اند؛ لذا نقش تحریم‌ها را در ایجاد این وضعیت نباید نادیده گرفت. اگر دولت و بانک مرکزی به سمت ثبات اقتصادی و ارزی حرکت کنند، مجوزهای مورد نیاز تولید کنندگان و کارآفرین بدون سنگ اندازی در اسرع وقت داده شود و شفافیت قابل توجهی در اقتصاد ایجاد شود رتبه بهبود فضای کسب و کار ایران تغییرات مثبت محسوسی خواهد داشت.

به خوبی می‌دانیم بی ثباتی ارزی منجر به وخامت اوضاع



شاخص‌های اقتصادی از جمله بهبود فضای کسب و کار می‌شود، بنابراین باید به سمت و سوی ثبات ارزی و اقتصادی برویم تا سرمایه‌گذاران راغب به سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش‌های مختلف اقتصادی بخصوص فعالیت‌های مولد شوند. با توجه به اینکه زیرشاخه‌های مرتبط با شاخص‌های فضای کسب و کار در ارتقا یا کاهش رتبه ما در این محیط بسیار مهم است باید دولتمردان به سمت ارزیابی شاخص‌ها و مطالعه بر روی کاستی‌هایی بروند که موجب پایین آمدن رتبه ما در فضای کسب و کار شده است. در صورتی که در این زمینه مطالعات جامعی صورت بگیرد قطع به یقین با رفع سدهای پیش روی بهبود فضای کسب و کار شعار سال یعنی جهش تولید نیز محقق می‌شود لذا این موضوع به عنوان یک اصل مهم در تقویت فعالیت‌های مولد باید در دستور کار دولت قرار داده شود.



چرا ارتباط ایران با افکار عمومی جهان اسلام و منطقه ضعیف است؟

دیپلماسی بی‌کلام

ایمان عظیمی



مینیوی» تا حضور چشمگیر «مسعود بهنود»، «شاهرخ گلستان»، «صادق صبا»، «محمود کیانوش» و... در بخش تلویزیونی و رادیویی این شبکه در دوره‌های مختلف، همواره بخشی از مردم، به‌ویژه جامعه شهری ایران شنونده و بیننده برنامه‌های بی‌بی‌سی بوده‌اند و با برنامه‌هایی نظیر «تخت گاز»، «پرگار»، «تماشا»، «جام جهان‌نما» و... ارتباط گرفتند. بی‌بی‌سی در بیان اخبار هم با درهم‌آمیختن دروغ و راست و بیان پُر جزئیات اتفاقات نظر بسیاری را به خود جلب کرد و در راستای زیبایی‌شناسی کار خبری هم سرآمد شبکه‌های دولتی بود، ولی همه این‌ها از تعطیلی رادیو فارسی بی‌بی‌سی و کم‌رونق شدن تلویزیون این رسانه براساس آنچه پیش‌تر گفته شد، جلوگیری نکرد.

رادیو فردا در میان شبکه‌های رادیویی فارسی‌زبان تا امروز به دلایل گوناگون دوام پیدا کرده است. بخش فارسی رادیو اروپای آزاد، موسوم به رادیوفردا، از سال ۱۳۸۲ و در زمان ریاست‌جمهوری جرج دبلیو بوش در آمریکا تأسیس شد. همزمانی تأسیس این رادیو با حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق بدون برنامه‌ریزی نبود و آمریکایی‌ها که بودجه رادیوفردا توسط آن‌ها تأمین می‌شد، برای اهداف بعدی‌شان در منطقه نیاز به برنامه‌ریزی و سوار شدن بر موج اعتراضات احتمالی داشتند. رادیوفردا با تولید برنامه‌های موسیقی‌محور و سرگرم‌کننده همین‌طور کادرسازی از چهره‌های رسانه‌ای کارش را پیش برد و کماکان هم با پخش برنامه‌های خود در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به این روند ادامه می‌دهد. رادیوفردا برخلاف اسلاف خود، یعنی رادیو فارسی اسرائیل و بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی، مدام آپدیت شد و در قالب فضای مجازی هم حضوری مهم و تأثیرگذار داشت.

■ ایران کجای این داستان قرار دارد؟

با تأسیس و راه‌اندازی گسترده شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان در اروپا و آمریکا از اواخر دهه ۷۰ و داغ شدن بازار رقابت میان تولیدات صداوسیما در داخل و خارج از کشور با این رسانه‌ها، اوضاع دگرگون شد. از طرف دیگر ترک‌ها و اعراب خلیج فارس هم به پایگاه‌های جدید رسانه‌های فارسی‌زبان در منطقه بدل شدند و حلقه محاصره فرهنگی را دور ایران تنگ و تنگ‌تر کردند. ابتدا اینطور تصور می‌شد که شبکه‌هایی مثل «تیش»، «۱۳»، «امید ایران»، «جام‌جم لس‌آنجلس»، «پارس»، «اندیشه» و... تهدید زیادی برای تولیدات فرهنگی و هنری رسانه ملی محسوب می‌شوند ولی این گمان چندان درست نبود چون اتکالی این شبکه‌های ماهواره‌ای تنها به حضور چهره‌های خاطره‌ساز قدیمی استوار بود و گذشت زمان از جذابیت آن‌ها کاست و این رسانه‌ها هم در نبود یک خط مشخص کاری و فقدان ایده‌های جذاب تصویری و برنامه‌های مفرح از رقبای فارسی‌زبان خود در اروپا، ترکیه و جنوب خلیج فارس جا ماندند و فضا را برای یک‌تازی «منوتو»، «ایران اینترنشنال»، «بی‌بی‌سی»، «مجموعه جم» و... مهیا کردند. تأثیر منوتو در این میان به حدی بود که حتی ایده‌های تصویری و زیبایی‌شناسانه آن صداوسیما و فرمت برنامه‌هایش در ابتدای دهه ۹۰ را تحت تأثیر قرار داد و شکل سنتی و دمده پخش برنامه‌ها را عوض کرد. صداوسیما در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در «مجله خبری شبکه یک سیما» در آن ایام متأثر از «تاق خیر» شبکه منوتو بود و حتی در قالب برنامه‌های طنزانه‌ای همچون خنده‌بازار به وجود آن واکنش نشان می‌داد. از سوی دیگر شبکه نوپای خانگی در ایران هم به‌واسطه پخش «بفرمایید شام» به تولید کپی این برنامه پرداخت که در ابتدا بازخورد نسبتاً بدی هم از مردم نگرفت. اما نقش رسانه دولتی ایران در این میان چه بود؟

چندان زیاد نبود. چون نظام برآمده از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ضامن حفظ یکپارچگی کشور در آن ایام بود و ثبات اقتصادی مردم در وضعیت جنگی را هم در پی داشت. فقدان برنامه‌های سرگرم‌کننده از طرف رسانه ملی در روزگاری که پای عزیزترین فرزندان این مملکت در جبهه‌ها بر روی میدان‌های مین ضدنفر می‌رفت، چندان وقع و اهمیتی برای افکار عمومی نداشت و آن‌ها این مسئله را به‌خوبی درک می‌کردند. باری، پس از قبول قطعنامه و پایان جنگ، اقدامات رادیو فارسی اسرائیل برای ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت در عصر رسانه‌هایی نظیر تلویزیون و رشد شبکه‌های فارسی‌زبان لس‌آنجلسی به در بسته خورد و در نهایت چراغ استودیوی رادیو اسرائیل در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ خاموش شد. منشه امیر بلافاصله پس از تعطیلی این رسانه، «رادیو پیام اسرائیل» را افتتاح کرد؛ رادیویی که نام و آوازه شهرت چندانی ندارد و به گوش نسل جدید ایرانیان هم نخورده است. دلایل زیادی برای ناکامی رادیو فارسی اسرائیل وجود داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مواجهه سفت و سخت گردانندگان این شبکه با مسئله ایران بود. از طرف دیگر، مخاطبان هدف این رسانه هم فارغ از علاقه به غرب، چندان تمایلی به پیگیری اخبار سیاسی از جانب کسانی که متهم اصلی جنایت در منطقه بودند (و هستند) نداشتند و دست منشه امیر یا همان «منوچهر ساجم‌چی» را با بی‌اعتنایی در پوست گردو گذاشتند. بازسازی چهره اسرائیل نیاز به ری‌برند و فکر تازه داشت که تأسیس شبکه‌های «ایران اینترنشنال» و «منوتو» این موقعیت را برای این دولت جعلی فراهم کرد.

«رادیو فارسی بی‌بی‌سی تعطیل شد»، این خبر در ششم فروردین ۱۴۰۲ بر روی خروجی سایت بی‌بی‌سی فارسی قرار گرفت و نگاه بسیاری از مخاطبان بی‌بی‌سی را متعجب کرد. بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی یک سال پیش از اشغال ایران توسط قوای متفقین با هدف تأثیر بر روان ایرانیان و آماده‌سازی برای حمله نظامی به کشور و خلع رضاشاه از مقام سلطنت راه‌اندازی شد و در طول نزدیک به ۸۳ سال کار مداوم، در نهایت به خاطر آنچه «تغییرات راهبردی با هدف تمرکز بر پایگاه‌های دیجیتال» اعلام گردید، رسماً با خاموش کردن چراغ برنامه «چشم‌انداز بامدادی» — به‌عنوان واپسین برنامه به‌جا مانده از عصر طلایی رادیو بی‌بی‌سی — کارش را به پایان رساند. این شاید طبیعی به‌نظر برسد که رادیو دیگر همچون سابق نمی‌تواند در جذب مردم به خود موفق عمل کند و در عصری که ما در آن بسر می‌بریم و نفس می‌کشیم، حوزه‌های دیجیتال مانند «صفحات مجازی در شبکه‌های اجتماعی» امکان بهتری را برای میزبانی از مخاطبان

— از هر گروه سنی — به وجود خواهند آورد، ولی این تنها دلیل خداحافظی بی‌بی‌سی با اولین پایگاه رسانه‌ای فارسی‌زبان نیست. «مجید تفرشی» پژوهشگر و تحلیلگر مسائل ایران در مصاحبه با خبرگزاری «خبرآنلاین» در این باره گفت: «یکی از مهم‌ترین دلایل تعطیل شدن رادیو بی‌بی‌سی تنگنای اقتصادی دولت بریتانیا است. بودجه دولتی سرویس جهانی بی‌بی‌سی که رادیوی بی‌بی‌سی فارسی یکی از بخش‌های آن است، مستقیماً از مالیات ماهانه ۱۲ یا ۱۳ پوندی مردم تأمین می‌شود. بنابراین، ریزش چشم‌گیر مخاطب می‌تواند باعث محدود شدن بودجه بخش‌های سرویس جهانی شود. روشن است که رادیوهای خارجی موج کوتاه و اینترنتی با وجود برنامه‌های تلویزیونی با ریزش مخاطب دست‌وپنجه نرم می‌کردند و رادیو بی‌بی‌سی فارسی هم از این قاعده مستثنی نبوده است.» البته تنگنای اقتصادی موجود در دولت بریتانیا و همچنین لزوم سرمایه‌گذاری در بخش رسانه‌های دیجیتال دلایل مهمی در اجرایی شدن این تصمیم به حساب می‌آیند، ولی این همه ماجرا نبود. بی‌بی‌سی فارسی چه در قالب یک شبکه تلویزیونی و چه در قالب یک فرستنده رادیویی همواره شبکه‌ای بود که ظاهر خود را حفظ می‌کرد و در مسیر تولید محتوا برای بینندگان و شنوندگانش حداقل احترام را قائل بود، هرچند در پس ماجرا، هدف دیگری دنبال می‌شد که چندان خوشایند اغلب ایرانیان به‌نظر نمی‌رسید. اما با روی کار آمدن شبکه‌هایی رادیکالی همچون «منوتو» و «ایران اینترنشنال»، توقع مخاطبان بی‌بی‌سی از این شبکه تغییر کرد و رعایت توازن رسانه‌ای به هر قیمت، ریزش هواداران و دنبال‌کنندگان بی‌بی‌سی فارسی را در پی داشت. با وجود این، نقش بی‌بی‌سی فارسی در بزنگاه‌های تاریخی در زمینه انتقال خبر و تولید برنامه‌های نسبتاً سرگرم‌کننده سر جای خود مشخص است. از زمان تأسیس رادیو فارسی بی‌بی‌سی به دست «حسن موقر بالیوزی» و «مجتبی

افتتاح شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان TRT از جانب دولت ترکیه و پیوست آن با اتفاقات و تحولات منطقه را نمی‌توان صرفاً یک اتفاق غیرمنتظره در نظر گرفت. ریخت‌وپاش رسانه‌ای اردوغان برای مردم کشورهای فارسی‌زبان آسیای مرکزی و خاورمیانه اگر با خوش‌بینی در راستای فعال کردن گسل‌های اجتماعی میان مردم و دولت‌ها نباشد، قطعاً در راستای منافع ملی ترکیه و سیاست‌های حزب عدالت و توسعه معنا می‌شود. از طرف دیگر، رسانه‌های داخلی و خارجی ما در شرایط خوبی به سر نمی‌برند و دست آن‌ها برای مواجهه با حوادث مختلف چندان پر نیست. برای مثال، درست دو روز پس از افتتاح رسمی شبکه TRT فارسی، خبر قطع پخش تلویزیونی شبکه برون‌مرزی «جام‌جم» و اینترنتی شدن آن در ۲۹ آذر چندان سروصدایی هم به پا نکرد. شبکه‌ای که از سال ۱۳۷۶ برای ایرانیان خارج از کشور برنامه تولید می‌کرد و حتی در بعضی از بزنگاه‌ها نظیر نوروز عملکرد بهتری نسبت به شبکه‌های داخلی تلویزیون داشت. اگرچه پخش اینترنتی برنامه‌های شبکه جام‌جم امکان دسترسی به آن را راحت‌تر از گذشته می‌کند، ولی محتوایی که این شبکه در اختیار ایرانیان خارج از کشور قرار می‌دهد، جای سوال‌های زیادی را در ذهن باقی می‌گذارد.

در سوی دیگر ماجرا، باید گفت صرف بودجه‌های دولتی برای ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خارجی‌زبان از طرف ما تا این لحظه حامل چه دستاوردی برای حوزه تمدنی ایران بوده است؟ آیا ما به واسطه فرهنگ و زبان مشترک با کشورهای افغانستان و تاجیکستان توانستیم جای امنی در میان خانواده‌های تاجیک و افغان براساس منافع ملی خود به دست بیاوریم؟ یا حتی با ساخت برنامه‌های سرگرم‌کننده در زمینه تاریخ اسلام، نگاه شیعیان و حتی اهل تسنن را به محتوای فرهنگی ایرانی جلب کنیم؟ صورت و شکل مواجهه ما در دوره گذار از جهان تک‌قطبی به چه شکل بوده است؟ نقش رسانه‌ای ایران در آمریکای جنوبی و حیط‌خلوت سابق آمریکا در این سال‌ها چگونه پیش رفته و دشمن و همین‌طور دولت‌های رقیب چه آرایشی در عرصه نمادین در مقابل ما گرفته‌اند؟ در این گزارش قصد داریم به بهانه افتتاح رسمی رسانه فارسی‌زبان دولت ترکیه به حضور رسانه‌های ایران در منطقه و جهان بپردازیم و نقاط قوت و به‌خصوص ضعف آن را برای شما روشن کنیم، اما اجازه دهید پیش از آن زمین بازی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در عرصه نمادین و شکل تأثیرگذاری آن‌ها بر ذهن و روان مخاطب ایرانی را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

■ دوره‌ات گذشته رادیو جان!

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و مطرح شدن شعار «نه شرقی، نه غربی» به‌عنوان یک استراتژی سیاسی در روابط خارجی جدید مطرح شد. در وجه نمادین قضیه، سرنگونی یکی از بزرگ‌ترین متحدان نظم آمریکایی در جهان برای دولت‌های منطقه و به‌ویژه همسایگان ما حامل این پیام بود که به‌زودی نوبت آن‌ها نیز خواهد رسید و مردم حسابشان را با این دیکتاتورها صاف خواهند کرد. اما پس از پیروزی انقلاب، سویای ایجاد جنگ تحمیلی از طرف رژیم بعث عراق علیه نظام تازه‌تأسیس جمهوری اسلامی، توپخانه رسانه‌ای غرب و در رأس آن یعنی آمریکا، انگلیس و اسرائیل فعال شد. آن‌ها اندکی پس از آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی و همزمان با تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان موسوم به خط امام، دور تازه‌ای از فعالیت‌های رسانه‌ای را با پخش جهت‌دار اخبار ایران و دنیا کلید زدند و برای مخاطبان داخل کشور به برنامه‌سازی در قالب رادیویی پرداختند.

«رادیو اسرائیل به زبان فارسی» یکی از سه شبکه اصلی فارسی‌زبان در زمینه تولید محتوا علیه سیاست‌های نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود؛ اما بخش فارسی این رسانه سال‌ها پیش از انقلاب و از سال ۱۳۳۸ آغاز به کار کرد. مؤسس این شبکه یک بهودی ایرانی‌تبار به اسم «ناصر سلوکی» (امنون نصر) بود که در ادامه جای خود را به یک چهره تماماً رسانه‌ای به نام «منشه امیر» داد. بخش مهم فعالیت رادیو فارسی اسرائیل نیز در دوران مدیریت منشه امیر رخ داد و او را به‌عنوان یک عنصر فعال رسانه‌ای در میان بخش مهمی از ایرانیان و حتی سیاستمداران رده بالای جمهوری اسلامی مطرح کرد. برنامه‌های بخش فارسی این رادیو هر چند توسط طیفی از مردم ما شنیده می‌شدند، ولی اثرگذاری آن‌ها در بین اکثریت مخاطبان ایرانی



فروش آثار تجسمی فروغ فرخزادشایعه‌است

علیرضا عزیزی

علیرضا عزیزی، مدیر و مؤسس ستاد بزرگداشت فروغ فرخزاد: پس از برگزاری برنامه‌هایی که به مناسب نودمین سالروز سهراب سپهری تدارک دیده شد تصمیم گرفتیم تا امسال بخش فروغ فرخزاد را در این ستاد ایجاد کنیم و قرار است کتابی را با مدیریت فرهنگی باران نیکراه منتشر کنیم.

مالکیت آثار با موسسه فرهیختگان عصر هنر است، حقوق معنوی نیز مشخص است همه شعرها، تصاویر فروغ و سهراب در اختیار حقوقی ما است اما تعداد اندکی از هنرمندان از اطلاعات ما استفاده کردند.

با توجه به وجود کپی رایب و اینکه به هنرمندان گفته شده بود خالق آثاری هستند که منحصر برای این مجموعه تولید می‌شود، این آثار سر از حراجی‌های داخل و خارج از کشور درآوردند و بدون توجه به کپی‌رایتی که در اختیار ستاد بود، تعدادی از هنرمندان آثار را برای مصارف شخصی خود مورد استفاده قرار دادند.

گنجینه ما دارای بیش از ۲۰۰۰ هزار اثر هنری است که از آنها نگهداری می‌شود و تمام مباحث مربوط به فروش آثار شایعه است.

ستاد بزرگداشت فروغ فرخزاد و سهراب سپهری از سال ۱۳۹۳ فعالیت‌های خود را با تمرکز بر اندیشه‌های این دو هنرمند آغاز کرده است و در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری که شامل کتاب، موسیقی، یادکست، آثار تجسمی و فیلم مستند است، فعالیت دارد.

آلودگی هوا مسبب افت گیشه سینما؟

سینما در هفته آخر پاییز با ۲۰ هزار و ۴۰۶ سانس میزبان ۸۴۹ هزار و ۶۰ مخاطب بوده و مبلغ ۴۶ میلیارد و ۲۰۷ میلیون فروخته است. باوجود تعطیلی ادارات و مدارس در هفته‌ای که گذشت، گیشه سینما نسبت به هفته سوم پاییز افت ۲۲ میلیون تومانی داشته و به نظر می‌رسد آلودگی هوا روی گیشه سینما هم تأثیر گذاشته است.

در میان ۱۰ فیلم پرفروش طبق روال همیشه ۳ اثر اول مربوط به آثار کم‌دی، ۴ اثر کودک و نوجوان، ۲ فیلم درام و ۱ اثر جنگی است و در این میان بهرام افشاری موفق شده از فیلم‌های رامبد جوان و سروش صحت پیشی بگیرد.

((سونیک ۴)) ۲۰۲۷ می‌آید



پارامونت پیکچرز در حال ساخت سری چهارم از مجموعه فیلم‌های «سونیک خارپشت» است و گفته می‌شود که در بهار ۲۰۲۷ اکران خواهد شد. این درحالی است که فیلم سوم از امروز (۳۰ آذر) اکران می‌شود و در ۳۸۰۰ سینمای آمریکای شمالی روی پرده می‌رود.

جف فاولر هر سه فیلم «سونیک خارپشت» را کارگردانی کرده و جیم کری در آن در نقش دکتر ایوو روباتنیک، آنتاگونیست اصلی سونیک و بن شوارتز در نقش خارپشت آبی رنگ قهرمان سرعتی بازی کرده‌اند.

«سونیک خارپشت» با اقتباس از بازی‌های کامپیوتری سگا که اولین بار سال ۱۹۹۱ به بازار راه یافت، ساخته شده است.

از «بازی مرکب» خسته شده‌ام

پروژه بعدی فکر نمی‌کنم. فقط به این فکر می‌کنم که به جزیره دورافتاده‌ای بروم و بدون آنکه تلفیکس با من تماس بگیرد وقت آزاد خودم را داشته باشم.

فصل دوم سریال بازی مرکب ۲۶ دسامبر (۶ دی ۱۴۰۳) از تلفیکس پخش خواهد شد، اما هوانگ باید خود را برای فصل سوم و پایانی آماده کند.

هوانگ دونگ هیوک، کارگردان سریال «بازی مرکب» گفت: قصد ساختن فصل دوم را نداشتیم، چون فرایند کلی نویسندگی، تهیه‌کنندگی، و کارگردانی سریال بسیار چالش‌برانگیز بود. فکر نمی‌کردم فصل دیگری بسازم.

از «بازی مرکب» و اینکه عمرم را صرف ساختن و بازاریابی چیزی کنم به شدت خسته شده‌ام. بنابراین در حال حاضر به





زوجیت و حرکت

علی‌مهدیان

در اندیشه توحیدی، مساله وحدت بسیار پر رنگ است، فاینما تولوا فثم وجه الله، آری او ظاهر و باطن و اول و آخر همه امور است. همو که "أحد" است. قل هو الله احد. او که هستی را پر کرده است الله الصمد. اما دقت کنیم وحدت او در مقابل کثرت نیست بلکه حاکم بر کثرت است. آن خدای واحد، قهار است. لمن الملک الیوم، لله الواحد القهار. همینطور وحدت او ما فوق آن وحدتی است که مقابل کثرت است. او احد است و احد یعنی ما فوق و جمع کننده وحدت و کثرت.

طبیعی است که اگر بنا باشد خالق با چنین ویژگی و صفتی خود را به تماشا بکشد و اینگونه مخلوقات را بیافریند، در چنین نظام آفرینشی، بحث از زوجیت شکل می‌گیرد. زوجیت در نهاد عالم خلق نهفته. و من کل شیء خلقنا زوجین. زوجیت، دوتایی و دولنگه ای است که با هم یک واحد را می‌سازند. یکدیگر را تکمیل می‌کنند و یک حقیقت واحد را شکل می‌دهند.

بین این دو حقیقت نیز رابطه دو سویه‌ای وجود دارد از یک سوی موده است و از سوی دیگر رحمت. و جعلنا بینکم موده و رحمه. این حقیقت حرکتی حبی است که تلاطم دو جهت مردانه و زنانه هستی در تمام ذرات را شکل می‌دهد و یک سکون و آرامش و توازن را در عالم محقق می‌کند. لتسکنا الیها. اگر خلق عالم را با همین دو جهت وحدت و کثرت و وحدت ما فوق آن دو شناختیم آنگاه به تعبیر قرآن "کما بداکم تعدون"، مسیر بازگشت فطری انسان هم روشن می‌شود. دین که مسیر هدایت و بازگشت است سازگار با خلق و فطرت است فاقم وجهک للذین حنیفا فطره الله التی فطر الناس علیها لاتبدیل لخلق الله. برای همین است که در عالم ماده هر چه در ذرات دقت می‌کنند، دوتایی و زوج می‌یابند.

برای همین است که سلوک انسان را دو نوع حرکت می‌سازد، در خلاف جهت حرکت حبی، که خلق را می‌ساخت، از کثرت به وحدت و بالعکس، اسفار اربعه را همین دو تایی‌ها می‌سازد. برای همین است که لیل و نهار شکل می‌گیرد و انسان را آرام می‌کند. برای همین است که صراط مستقیم پیامبر خاتم ذوالعینین است صاحب دو چشم است. کثرت و وحدت را در هماهنگی با هم می‌بیند. نه از دنیا فرار می‌کند نه غرق در دنیا می‌شود.

برای همین است که آدم و حوا به نحو زوج خلق شدند و هبوط کردند و بعد هم توبه نمودند. برای همین است که نوح از هر جنبه‌ای زوجی را سوار بر کشتی نمود. برای همین است که ساختار مطلوب جامعه توحیدی، مرکزی دارد و دامنه ای. امام و امت و کل نظام حقوقی اش در رابطه این دو جهت شکل می‌گیرد. در عین اینکه مردمسالارند، امام سالار است. وحی سالار است و عقل سالار است. بساط هستی بر جنگ و درگیری و دیالکتیک نیست بلکه بر صلح و تلاطم و تناقض است. لو تبع الحق اهواءهم لفسدت السموات و الارض و من فیهن. هستی هم‌ماش مدد می‌دهد جریان حق را که نفی و محو کند درگیری و جنگ را. ان الباطل کان زهوقا. منشأ اصلی این جنگ و درگیری آن جریانی است که با اراده دین و خلقت مقابله می‌کند. ذات همه اشیا در جنگ حق و باطل به نفع حق است. باطل مثل کف روی آب نابود می‌شود. فاما الیزید فیذهب جفاء و ما ینفع الناس فیمکث فی الارض. جنگ و جریان جنگ آفرین نابود می‌شود و محو می‌شود، بنیاد عالم بر زوجیت و مودت و رحمت و سکونت است، که حقیقت و اصالت در تحولات هستی را شکل می‌دهد، تناقض و زوجیت اصیل است و جنگ و دیالکتیک اعتباری است، تاریخ را آن صبرورت و حرکت اصیل پیش می‌برد.

جنگ محو می‌شود، جنگ طلبان محو می‌شوند، محو گام به گام جنگ طلبان عالم، در پرتو حرکت حقیقی تاریخ که در جان هستی و جان مومنین رقم می‌خورد محقق می‌شود. چشمی که جنگ را می‌بیند و باطن آن را که ظهور گام به گام زوجیت و وحدت برتر و ایمانی است را نمی‌بیند، مثل کسی است که کف را می‌بیند و آب را نمی‌بیند.

اندراحوالات عفاف و حجاب



سال ۱۴۰۲ این لایحه را برای اجرای آزمایشی سه‌ساله تصویب و به شورای نگهبان ارسال کرد.

حدود یک ماه بعد شورای نگهبان اعلام کرد که این لایحه دارای ابهاماتی همچون بار مالی است و به همین دلیل آن را به مجلس برگرداند، رفت و برگشت لایحه میان مجلس و شورای نگهبان چندبار انجام شد تا در نهایت اواخر شهریور ۱۴۰۳ شورای نگهبان مصوبه کمیسیون ویژه را تأیید کرد و این لایحه به قانون تبدیل شد و رئیس مجلس هفتم آذر ماه اعلام کرد که ۲۳ آذرماه با پایان یافتن مهلت سه ماهه، قانون عفاف و حجاب را برای اجرا به دولت ابلاغ می‌کند، اما قانونی ابلاغ نشد و به گفته برخی منابع شورای امنیت ملی جلوی ابلاغ آن را گرفت.

آقای پزشکیان رئیس جمهور ۱۲ آذر ماه اجرای قانون حجاب را به لحاظ اجرایی دارای سوالات و ابهامات زیادی عنوان کرد. رئیس مجلس ۱۸ آذرماه در خصوص این اظهار نظر آقای پزشکیان عنوان کرد: اخیرا رئیس جمهور و معاون حقوقی ایشان بیان کرده‌اند که در بخش‌هایی از قانون ابهام و برای اجرا نکاتی داریم این هم روشن است، این هم مسیر خود را دارد اگر واقعا اشکالی وجود دارد همین قانونی که آن را تصویب کرده، مسیری هم برای اصلاح آن گذاشته است، اگر دولت ایرادی دارد لایحه اصلاحی ارائه کند. برخی نمایندگان با بیان اینکه تاخیر در اجرای به معنای ترک فعل نیست ابراز کردند: شورای امنیت ملی به این نتیجه رسیده که اجرای این قانون چند ماه به تاخیر بیفتد.

قانون کی اجرا می‌شود؟

مطابق با اخبار و آنچه نمایندگان و مجریان قانون عنوان کرده‌اند «قرار است ۲۹ آذر این قانون ابلاغ و اجرا شود» حال باید منتظر بود که قانونی که در راستای اجرای یک حکم مسلم و شرعی تصویب شده و در حالیکه دشمن هر ثانیه با طرح نقشه جدیدی به دنبال ضربه زدن به کیان این کشور و نابودی عفت و عفاف و پاکدامنی است، چه زمانی اجرا خواهد شد و ابهاماتی که مسئولان آن را بهانه‌ای برای تعویق ابلاغ و اجرا عنوان کرده‌اند، چیست؟

حجاب و عفاف از آن دست مسائل مهمی است که ارتباط مستقیمی با خانواده و تحکیم بنیان آن دارد مسئله‌ای که دکتر مطهری آن را چنین عنوان می‌کند که «مسئله حجاب به‌راستی مسئله‌ای به قدمت طولانی تاریخ بشر است؛ با ابعادی شگرف از وجود و توسعه و شکل‌هایی مختلف که در آیین‌هایی گوناگون، به انتخاب زنان و حتی مردان در آمده‌اند.» مسئله‌ای که اگر گذری بر سیر تاریخی آن داشته باشیم در خواهیم یافت این مسئله مهم و انسان ساز تنها به دین اسلام مربوط نمی‌شود بلکه در ادیان مختلف و پیش از تحریف آنها مسئله مهمی بوده است و استاد مطهری هم در کتابی با همین عنوان ابراز کرده است: «آن‌چه مسلم است، این است که قبل از اسلام، حجاب در جهان وجود داشته و اسلام مبتکر آن نیست.»

باید اذعان داشت که جامعه ایرانی هم چه از عصر بسیار کهن و باستانی خود یعنی پیش از هخامنشیان و چه بعد از آن تا به امروز جامعه‌های معتقد به پوشش و عفاف بوده است و این پیشینه نشان می‌دهد حجاب همواره از مسائل اصلی و مهم در همه ادوار تاریخ بشر بوده و جزو سنت‌ها و اعتقادات مهم هم در ایران کهن و هم در ایران اسلامی محسوب می‌شده است؛ امری که همواره نقش مهمی در تحکیم بنیان خانواده ایرانی داشته و دارد.

نقشه‌های شوم دشمن برای نابودی حجاب

اما دشمنان این مرز و بوم که پی به اهمیت این مسئله مهم و بنیادی در پیشرفت جامعه ایرانی بردند، تصمیم گرفتند برای نابودی ملتی به بزرگی و پر افتخاری ایران نقشه شوم کشف حجاب را پیش ببرند و برای رسیدن به آن به کمک دست نشانده خود رضاخان پهلوی در سال ۱۳۱۴ حجاب را از سر زنان ایرانی کشیدند. هر چند پس از پیروزی انقلاب در سال ۵۷ زنان و مردان ایرانی با انتخاب جمهوری اسلامی دوباره این سنت و فرمان و حکم شرعی اسلام را اجرا نمودند، اما دشمن دست بردار نبود چرا که باید برای نابودی این ملت حجاب را نابود می‌کرد همانطور که در بسیاری کشورها به این هدف دست پیدا کرد.

برنامه‌ریزی‌های اساسی برای نابودی حجاب

دشمن با کمک خودفروختگان داخلی و عوامل دست نشانده با راه اندازی چهارشنبه‌های سفید و یک روز بدون حجاب و بعد هم باید برنامه ریزی اساسی و ایجاد آشوب در سال ۴۰۱ حجاب را تبدیل به یک چالش کرد تا حتی وقتی قانونی اصلاح شده و در جهت مصالح عمومی کشور قرار است اجرا شود یک سال به طول بیانجامد.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در این خصوص فرموده‌اند: «مسئله‌ی حجاب تبدیل شده به یک چالش و بر کشور ما تحمیل شده؛ این را تحمیل کردند. کسانی نشستند نقشه کشیدند، برنامه‌ریزی کردند که حجاب بشود یک مسئله در کشور ما؛ در حالی که چنین مسئله‌ای در کشور وجود نداشت

پنج روز بعد در تاریخ ۲۸ خرداد ماه کلیات لایحه دولت در کمیسیون قضایی مجلس با اصلاحاتی تصویب شد. دو ماه پس از آن نیز مجلس با استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی برای بررسی این لایحه کمیسیون ویژه تشکیل داد، مجلس در ۲۹ شهریور

... بنده نظر قاطع خودم را در این مورد عرض می‌کنم ... از لحاظ شرعی، حجاب یک حکم مسلم شرعی است ... این چیزی است که آن صرف نظر نمی‌شود. مردم ما مسلمانند، مقیدند، معتقدند، بانوان ما معتقدند، باید رعایت کنند این را؛ حکم شرع است. یک نگاه، نگاه قانونی است؛ قانون واجب‌الاطاعة است و در این زمینه، حکم قانونی وجود دارد؛ رعایت حکم قانون برای همه واجب است. چه آن کسانی که به شرع معتقدند، چه حتی آن کسانی که به شرع هم معتقد نیستند، قانون را بایستی رعایت کنند»

درخواست عمومی برای اجرای قانون حجاب

بعد از آشوب‌های ساختگی و از پیش برنامه‌ریزی شده سال ۴۰۱ مسئله حجاب در کشور با چالش‌های بیشماری مواجه شد و عده‌ای نادانسته و عده‌ای سازمان دهی شده با برداشتن حجاب در ملا عام سعی در عادی سازی حجاب در کشور کردند تا به قول خودشان چشم‌ها به بی حجابی و بدحجابی‌های دختران و زنان سرزمین کهن و اسلامی ایران عادت کند. اما مردم مسلمان و متعهد و معتقد ایران درخواست رسیدگی فوری به این وضعیت را داشتند چرا که بی شک ایرانی مسلمان دست به چنین اقدامی نمی‌زند مگر تحت تاثیر برخی جوسازی‌ها و هتک حرمت‌ها و خواستار اجرای قانونی برای رعایت شئون اسلامی و اجرای حکم شرعی حجاب در کشور بودند.

آغاز ماجرای قانون حجاب

از همین رو لایحه پیشنهادی در مورد عفاف و حجاب نهم اردیبهشت ۱۴۰۲ از سوی قوه قضائیه به دولت سیزدهم ارسال شد، دولت وقت هم بیست و هفتم همان ماه این لایحه را تصویب و با قید دو فوریت برای تصویب و تبدیل به قانون به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. اما نمایندگان مجلس یازدهم دو فوریت این لایحه را رد کردند، اما ۲۳ خرداد همان سال نمایندگان با ۱۸۵ رأی موافق، ۳۰ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع به یک فوریت آن رأی مثبت دادند.

حدود ۹ درصد سقظ هادر کشور به صورت قانونی انجام می‌شود همراهی جامعه با سقظ جنین به خاطر مسائل اقتصادی است

مهدی صدری



زمانی که برای خانواده تأمین مالی و معاش سخت است مادر و جامعه به خود اجازه می‌دهد با سقظ جنین، آینده خود و جنین را نجات دهد.

وی خاطر نشان کرد: در زمان تدوین قانون جوانی جمعیت و خانواده بررسی‌ها نشان داد که یکی از موضوعاتی که باعث می‌شود جامعه وارد بحران پیری جمعیت شود ریزش نیمی از باروری‌ها به‌صورت خواسته و ناخواسته است و متأسفانه بخش قابل توجهی از این سقظ‌جنین‌ها به اطلاع وزارت بهداشت نمی‌رسد و در فرایندهای اولیه بارداری سقظ اتفاق می‌افتد؛ لذا قانون جوانی جمعیت در این راستا اقدامات مهمی را در دستور کار قرار داد.

باتوجه‌به اینکه این روش قتل است باید جلوی آن گرفته شود.

۱۷٫۵ درصد سقظ‌های کشور مربوط به بارداری در دوران عقد

وی اذعان داشت: در یک پیمایشی که سال ۹۹ در ۱۴ شهر کشور انجام شد حدود ۶ درصد سقظ‌ها مربوط به جنین‌هایی بود که خارج از نظام خانواده به وجود آمده بودند و ۹۴ درصد سقظ‌جنین‌ها به دلیل موضوعات دیگری مانند بارداری در دوران عقد بود که بر اساس این پیمایش ۱۷٫۵ درصد سقظ‌های کشور ناظر به جنین‌هایی بود که در دوران عقد شکل گرفته

بودند که این مهم فقط به‌خاطر فرهنگ و مقابله‌ای است که زوجین در دوران عقد نباید فرزند دار شوند؛ لذا جمع‌بندی تیم پزشکی و قانون‌گذاری بر این شد که موضوع سقظ‌جنین سخت شود و خانواده با خوردن چند قرص و یا داروی گیاهی نتوانند باعث سقظ شوند و قانون جلوی این موضوع را گرفت و برای آن جزا در نظر گرفته شد.

همراهی جامعه با سقظ جنین به خاطر مسائل اقتصادی است

صدری با تأکید بر اینکه بخشی از همراهی که جامعه ما با سقظ‌جنین دارد به‌خاطر مسائل اقتصادی است بیان داشت:

دکتر سید مهدی صدری، مشاور کمیسیون جوانی جمعیت مجلس در گفتگوی تلفنی با برنامه «گفتگوی علمی» با موضوع سقظ جنین مکرر و بررسی علل و عوارض آن بیان داشت: در کشور ما سه نوع سقظ «درمانی» که به‌صورت قانونی در بیمارستان و تحت نظر پزشک انجام می‌شود، سقظ «خودبخودی» که جنین به هر دلیلی در روال بارداری سقظ می‌شود و «سقظ عمدی و جنایی» که والدین عمدا اقدام به ازبین‌بردن جنین می‌کنند. وی افزود: سقظ درمانی کمترین درصد سقظ‌ها است و بر اساس آمار حدود ۹ درصد سقظ‌ها به‌صورت قانونی انجام می‌شود و در قانون جوانی جمعیت مداخله شد و مقرر شد سقظ‌ها محدود به قانون و بر اساس پروتکل‌های قانونی و آیین‌نامه‌های سقظ درمانی انجام شود.

وضعیت و میزان سقظ‌های خود به خودی نگران کننده است

صدری تصریح کرد: در مورد سقظ‌های خود به خودی که عملاً امکان مداخله‌ای وجود ندارد و وضعیت و تعداد این سقظ‌ها نگران کننده است و در مقایسه با کل جهان میزان این سقظ‌ها اصلاً قابل دفاع نیست و نیاز به بررسی مسائل بهداشتی و درمانی است که چرا میزان نگهداری جنین مادران و زنان ما نسبت به کشورهای دیگر حتی حوزه آسیایی و خاورمیانه کمتر است.

مشاور کمیسیون جوانی جمعیت مجلس اظهار داشت: در مورد سقظ‌های عمدی نیز، قانون جوانی جمعیت محکم وارد شده و

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۴۶۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



دیپلماسی بی کلام

افتتاح شبکه تلویزیونی فارسی زبان TRT از جانب دولت ترکیه و پیوست آن با اتفاقات و تحولات منطقه را نمی توان صرفاً یک اتفاق غیرمنتظره در نظر گرفت.

دشمنی دو برادری که حالاً نابود شدند

حزب بعث حزبی عرب گرا، سکولار و سوسیالیست بود که توسط عده‌ای از روشنفکران عرب و در راس آنان میشل عفلق و صلاح الدین البیطار تاسیس گشت. اگرچه هدف حزب بعث یکپارچگی کشورهای عربی بود، اما با وجود به قدرت رسیدن در عراق و سوریه هیچ گاه بدان نرسید.



و هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا
اوست کسی که ...
باران رحمت را پس از اینکه ناامید شدند
نازل می‌کند ...
(سوره شوری، آیه ۲۸)

این جوسازی‌ها دیگر فایده ندارد



کیانوش رستمی، یکی از وزنه‌برداران حاضر در مسابقات جهانی منامه بحرین بود، اما نه با ایران که همراه کوزوو. او در پشت صحنه این رقابت‌ها (در سالن گرم) با مهارت ۱۸۰ کیلوگرم در یک ضرب و ۲۱۵ کیلوگرم در دو ضرب، با مجموع ۳۹۵ کیلوگرم رکوردی بهتر از قهرمان این مسابقات زد.

این بار، اما سجاد انوشیروانی برابر نمایشی که قهرمان المپیک ریو به راه انداخته بود، سکوت نکرد: «همی‌دانم کیانوش رستمی با این جوسازی‌ها دنبال چیست. سال

قبل از المپیک به فدراسیون آمد، باهم صحبت کردیم و او را به کادر فنی سپردیم که خودش هم قبول کرد. همه از جمله وزیر از او حمایت کردند و کادرفنی اجازه دادند بیرون تمرین کنند. انوشیروانی زمانی که سرمربی تیم ملی بود، مخالف بیرون تمرین کردن کیانوش بود، اما در قامت رئیس فدراسیون، کادرفنی که شرایط کیانوش را پذیرفت، مخالفتی نکرد. حقوق او واریز شد و مکمل‌های ورزشی‌اش هم از بیرون می‌آمد. ما همه جوهره او را حمایت کردیم. دو تاریخ برای کیانوش رستمی انتخاب شد؛ یکی تاریخ مسابقه و دیگری تاریخ رکوردگیری که او باید محک می‌خورد. در مسابقات آسیایی و همچنین انتخابی المپیک به رقبیش که در وزن خودش بود باخت، بعد از آن ۱/۵ ماه رکوردگیری داشتیم که گفت مصدوم است، اما در لیگ شرکت کرد! در رشته‌ای

که رکوردی است، رقیب کیانوش انتخاب شد و در مسابقات آسیایی و جهانی هم قهرمان شد، اما کیانوش حاضر به رقابت با او نشد، با وجود این می‌گفت باید اسم او برای مسابقات رد شود. چه کسی می‌تواند چنین چیزی را بپذیرد؟ الان هم با کوزوو قرارداد بسته و پاسپورت این کشور را هم گرفته است. او در پشت صحنه مسابقات وزنه‌های خوبی زد، اما چرا قبل از المپیک برای کشور خودش چنین وزنه‌هایی را نزد؟ ما که شرایط او را قبول کرده بودیم! کیانوش به کشورش پشت کرد و این برای منی که به همراه بسیاری، پرچم پرافتخار کشور را در دنیا به اهتزاز در آورده‌ایم، پذیرفتنی نیست. او ما را مافیا خواند و سعی کرد مسائل را قومیتی کند، اما چون برای ایران افتخار آفرینی کرده جوابش را ندادیم و قضاوت را به مردم سپردیم. او خود نخواست در وزنه‌برداری اسطوره شود و حالا نمی‌دانم دنبال چیست که هنوز جوسازی می‌کند.»

دختر وزنه‌بردار ایران به مدال برنز آسیا دست یافت



دختر وزنه‌بردار ایران به مدال برنز آسیا دست یافت

در آغاز مسابقات وزنه‌برداری نوجوانان و جوانان آسیا که در دوحه قطر جریان دارد، مریم کشتکار نماینده کشورمان با مهارت ۹۴ کیلوگرم در رده سنی نوجوانان به مدال برنز حرکت ۴ ضرب دست پیدا کرد.

کشتکار در حرکت مجموع هم به مقام چهارم رسید.

او در یک ضرب ۶۷ کیلو را به ثبت رسانده بود.

محرومیت استقلال از حضور هوادار برای بازی با چادرملو است



رئیس کمیته انضباطی: محرومیت استقلال از حضور هوادار برای بازی با چادرملو است

ابوالفضل حسن‌زاده:

با توجه به رای صادر شده توسط این کمیته درباره تخلفات رخ داده توسط هواداران تیم استقلال در هفته یازدهم که مقابل تیم فولاد خوزستان رخ داد که محرومیت تعلیقی هواداران به حالت اجرا در خواهد آمد.

بر همین اساس تماشاگران تیم استقلال برابر تیم چادرملو حضور نخواهند داشت و این در حالی است که در برخی از رسانه‌ها اعلام شده دیدار سپاهان و استقلال بدون حضور هواداران تیم استقلال خواهد بود.

فدراسیون از بی‌اخلاقی فوتبال‌ها خوشحال می‌شود!

فریدون حسن



کمیته انضباطی
فدراسیون فوتبال

تنها یک نتیجه گرفت و آن اینکه فدراسیون فوتبال از تخلف بیشتر و بی‌انضباطی گسترده‌تر استقبال می‌کند، چون پول بیشتری بابت آن عایدش می‌شود. طبیعی است قوانینی هم که برای جلوگیری از تخلفات وضع می‌شوند نه بازدارنده هستند و نه چنان محکم که خاطیان را سر جای‌شان بنشانند، بنابراین نه تنها شاهد کاهش تخلفات و بی‌اخلاقی‌ها نخواهیم بود بلکه اوضاع از این هم بدتر خواهد شد، چون اصولاً عزمی برای جمع کردن حواشی و بی‌اخلاقی‌ها در فوتبال وجود ندارد و آقایان مسئول هم بیشتر به فکر افزایش این درآمد هستند، مثلاً قانونی دارند تا سالم شدن فضای فوتبال؛ در یک کلمه هر چه تخلف بیشتر عایدی فدراسیون و سازمان و لیگ هم بیشتر.

شاید حالا بهتر بتوان متوجه شد که چرا بسیاری از این جرایم بر اساس دستورالعمل سازمان لیگ صادر شده‌اند؛ دستورالعملی که بنا به اذعان بسیاری از کارشناسان حقوقی ورزش و طبق پاسخ رسمی کمیته تدوین مقررات، بدون دخالت این کمیته تهیه شده است و از نظر قانونی اعتبار ندارد، با این حال همین دستورالعمل غیرقانونی باعث صدور جریمه‌های میلیاردی برای مصاحبه‌ها و بیانیه‌های سرمربی‌ها و باشگاه‌ها شده است!

در چنین شرایطی آیا می‌توان به کاهش تخلفات امیدوار بود؟ تخلفاتی که جرایمش نسبت به درآمدهای میلیاردی فوتبال‌لیست‌ها اینقدر ناچیز است که حتی آنها را قلقلک هم نمی‌دهد، اما وقتی همین ناچیزها روی هم سال قیل ۵۹ میلیارد شده است و امسال هم می‌تواند با برنامه‌ریزی آقایان به ۷۰ میلیارد برسد، چرا باید جلوگیری گرفته شود؟ آیا با دیدن این شرایط نباید نوشت که فدراسیون فوتبال عزمی برای

تا جایی که می‌دانیم از کان قضایی در هر نهادی برای جلوگیری از بی‌اخلاقی و گسترش تخلف تشکیل می‌شوند. باز تا جایی که می‌دانیم احکامی که از سوی این ارکان صادر می‌شود هم برای بازدارندگی و کاهش تخلفات صادر می‌شود، اما این دو مقوله واضح و بدیهی وقتی پای فوتبال ایران به خصوص در رده باشگاهی به میان می‌آید، تعریفی کاملاً متفاوت پیدا می‌کنند. همین فصل قیل بود که مشخص شد فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ چه درآمدهای نجومی و خارج از تصویری بابت جرایم نقدی به دست می‌آورند؛ جرایمی که نه تنها بازدارنده نیستند بلکه باعث جری‌تری شدن متخلفان هم می‌شوند، اما مهم‌تر از تمام اینها برای فدراسیون فوتبال درآمد هنگفتی است که از این راه به جیب می‌زند. ظاهر این منبع درآمد چیزی نیست که فدراسیون فوتبال بتواند به سادگی از آن چشم‌پوشی کند تا جایی که امروز خبر می‌رسد با رشد عجیب و غریب نسبت به سال گذشته هم روبه‌رو شده است.

برابر آنچه دیروز برخی خبرگزاری‌ها نوشتند، درآمد فدراسیون از جرایم انضباطی و اخلاقی در سال گذشته به عدد شگفت‌انگیز ۵۹ میلیارد تومان رسیده است؛ رشدی عجیب و غریب به میزان ۵۸۴ درصد نسبت به سال مالی قبل. این در حالی است که برای سال جاری نیز رشد ۲۰ درصدی پیش‌بینی شده و درآمد این بخش به ۷۰ میلیارد تومان خواهد رسید!

فصل گذشته این ماجرا سروصدای زیادی به راه انداخت، اما گویا نمی‌توان پایانی بر این درآمدزایی متصور بود چراکه ظاهراً خود نهادهای انضباطی و نظارتی حاکم بر فوتبال روی این مسئله حساب باز کرده‌اند و نمی‌خواهند از این مبلغ بالا دل بکنند ولی سؤال این است که چطور چنین چیزی ممکن است؟ در چنین شرایطی بدیهی است که

اصلاح بی‌اخلاقی ندارد؟ آیا نباید نوشت که حیات فدراسیون فوتبال به ادامه تخلفات و بی‌اخلاقی‌ها گره خورده است؟ اینها سوالاتی است که پاسخ آن قطعاً راهگشا خواهد بود تا حداقل تکلیف فوتبال با خودش روشن شود. اینکه فوتبال ایران می‌خواهد سالم شود یا اینکه ترجیح می‌دهد به جای سلامت اخلاقی و رفتاری از بی‌اخلاقی درآمدهای چندین ده میلیاردی داشته باشد.